

**تحلیلی بر عملکرد بخش خارجی اقتصاد
در سال ۱۳۹۹**

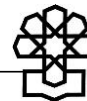
معاونت مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۷۷۹۵
مهرماه ۱۴۰۰

به نام خدا

فهرست مطالب

| | |
|---------|--|
| ۱..... | خلاصه مدیریتی..... |
| ۵..... | مقدمه..... |
| ۶..... | ۱. تحلیل کلی بخش خارجی اقتصاد..... |
| ۶..... | ۱-۱. تحلیلی بر روند بخش خارجی اقتصاد کشور..... |
| ۸..... | ۱-۲. بررسی اجزای مهم تراز پرداخت‌های خارجی..... |
| ۱۱..... | ۱-۳. رابطه مبادله..... |
| ۱۳..... | ۱-۴. درجه باز بودن اقتصاد..... |
| ۱۶..... | ۲. تحلیل زیربخش‌های بخش خارجی اقتصاد..... |
| ۱۶..... | ۲-۱. واردات..... |
| ۲۰..... | ب) واردات براساس نوع مصرف..... |
| ۲۹..... | ۲-۲. صادرات غیرنفتی..... |
| ۲۹..... | ۲-۲-۱. آمارهای صادرات غیرنفتی به لحاظ روند و ساختار..... |
| ۳۴..... | ۲-۲-۲. راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی..... |
| ۳۵..... | ۲-۳. مناطق آزاد..... |
| ۳۵..... | ۲-۳-۱. عملکرد اقتصادی مناطق آزاد..... |
| ۳۹..... | ۲-۳-۲. راهکارهای بهبود عملکرد مناطق آزاد..... |
| ۴۰..... | ۲-۴. حوزه واردات غیررسمی کالا (قاچاق)..... |
| ۴۰..... | ۲-۴-۱. تبیین وضع موجود..... |
| ۴۲..... | ۲-۴-۲. راهکارهای مبارزه با قاچاق..... |
| ۴۴..... | نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد..... |



تحلیلی بر عملکرد بخش خارجی در سال ۱۳۹۹

خلاصه مدیریتی

هدف اصلی گزارش حاضر، تبیین و تحلیل عملکرد بخش خارجی اقتصاد (تجارت خارجی، تراز پرداخت‌ها و برخی از اجزای آن، قاچاق کالا و ارز و مناطق آزاد) با تأکید بر سال ۱۳۹۹ است. برای این منظور وضعیت کلی بخش تجارت خارجی اقتصاد و اجزای آن مورد بررسی قرار گرفته است که در این بخش، خلاصه مدیریتی آن ارائه می‌شود.

الف) وضعیت کلی بخش خارجی اقتصاد

با خروج یکجانبه دولت آمریکا از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی طی سال ۱۳۹۷، فضای بازرگانی خارجی کشور شرایط متفاوتی را تجربه نمود. بر این اساس در سال ۱۳۹۸ حجم و ارزش تجارت خارجی کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹ نیز این روند ادامه یافته است. در این راستا ارزش دلاری حجم تجارت خارجی در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۱۳ درصد کاهش یافته و از حدود ۸۵ میلیارد دلار به حدود ۷۳/۸ میلیارد دلار رسیده است. از طرفی با بررسی سهم تجارت کشور از سهم تجارت جهانی، می‌توان دریافت که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) همواره سهم ایران از تجارت جهانی کمتر از ۰/۵ درصد بوده و علی‌رغم اینکه حجم تجارت جهانی از حدود ۳۲ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳۵ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است، اما وضعیت تجارت خارجی کشور بدتر شده و سهم آن از تجارت جهانی از ۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. این امر بیانگر روند ضد ادواری تجارت خارجی کشور در مقایسه با تجارت جهانی بوده و نشان‌دهنده ضعف زیرساخت‌های بازرگانی (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و...)، فقدان استراتژی توسعه تجاری، ضعف دیپلماسی فعال اقتصادی و تجاری و همچنین توجه ناکافی به اهمیت بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران است.

از طرفی دیگر، یکی از دلایل اصلی افت جایگاه تجارت خارجی طی سال‌های مورد بررسی علاوه بر مشکلات تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به‌خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به‌دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و ادامه آن تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۹ و همچنین تأثیر سیاست‌های بازار داخلی بر بازار خارجی، بدهی بنگاه‌ها به بانک‌ها و... بوده است. شایان ذکر است جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش فزاینده هزینه

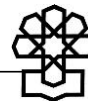
مبادله و افزایش هزینه تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولیدشده و با توجه به وابستگی بالای تولید داخلی کشور به واردات، قدرت رقابت تولید داخلی بیشتر کاهش یافته و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی نیز شده است؛ از طرف دیگر جهش‌های ارزی با ایجاد نااطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌نظمی در واردات نیز شده است (عدم تحقق شرط مارشال لرنر در اقتصاد ایران).^۱ این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف بازرگانی خارجی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی شده است.

همچنین صاحبان سرمایه در دوره مورد بررسی، ترجیح داده‌اند بخشی از دارایی و درآمد خود را، با هدف حفظ و انباشت سرمایه در جایی سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز نمایند که ثبات و امنیت حاکم باشد و چشم‌انداز روشنی از فضای رشد و سرمایه‌گذاری پیش رو باشد. در واقع آمار ورود یا خروج سرمایه ارزی به کشور، نه فقط یک متغیر اقتصادی، بلکه انعکاسی از ارزیابی فعالان اقتصادی در مورد ظرفیت رشد و توسعه سرمایه‌گذاری در کشور نیز می‌باشد.

وضعیت همواره منفی حساب خدمات نیز نشان می‌دهد در مراودات تجاری، طرف مقابل تجارت با جمهوری اسلامی ایران همواره از محل ارائه خدمات (حمل و نقل، بیمه، انبارداری و تخلیه و بارگیری) منافع بیشتری کسب کرده و به عبارتی ایران از خدمات طرف تجاری بیشتر استفاده کرده است. این‌گونه نیز می‌توان تفسیر نمود در مراودات و تفاهمنامه‌های همکاری متقابل تجاری، طرف مقابل همکاری تجاری با ایران توانسته است همواره امتیازات بیشتری را در خصوص ارائه خدمات تجاری به نفع خود اخذ کند و یا شرایط ارائه خدمات تجاری در داخل کشور کیفیت پایینی دارد و بازرگانان ترجیح می‌دهند از خدمات کشور خارجی بیشتر استفاده نمایند. لذا در چنین وضعیتی توجه به اهمیت دیپلماسی تجاری و ارتقای کیفیت خدمات بازرگانی، بیش از پیش نمود عینی می‌یابد.

منفی بودن وضعیت موازنه کل کشور نیز عمدتاً ریشه در منفی بودن حساب جاری دارد (شامل خالص حساب سرمایه، خالص حساب خدمات، خالص صادرات، خالص حساب درآمد و خالص انتقالات رسمی است). در این میان وضعیت بد خالص صادرات، خالص حساب سرمایه و خالص حساب خدمات بیش از سایر عوامل در کاهش موازنه کل یا منفی بودن آن نقش داشته‌اند؛ آنچه در این زمینه نمایان است، اینکه بخش تراز پرداخت‌ها یا موازنه کل کشور (تغییر در ذخایر بین‌المللی) نه تنها بیانگر بالا بودن اهمیت توجه به بخش خارجی اقتصاد است، بلکه بیانگر لزوم تدبیر بهبود آن از طریق طراحی استراتژی توسعه صنعتی، استراتژی توسعه بازرگانی و استراتژی سیاست‌گذاری پولی (ارزی) (به مفهوم حفظ ثبات قیمت‌ها) و هماهنگ‌سازی این استراتژی‌ها با یکدیگر است. البته باید عنوان نمود که عوامل مختلف

۱. شرط مارشال - لرنر بیان می‌کند اگر مجموع مقدار مطلق کشش تقاضا و عرضه (واردات و صادرات) ارز یک کشور بیشتر از یک باشد بازار ارز از ثبات نسبی برخوردار است و افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی می‌تواند کسری حساب‌های جاری را بهبود بخشد. برای مطالعه بیشتر به مقاله زیر مراجعه شود:
فرهاد دژپسند و حسین گودرزی (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های ایران (تحقق شرط مارشال لرنر در ایران)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره سوم، پاییز، صص ۴۱-۱۵.



اقتصادی نظیر کسری بودجه دولت، استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی در اقتصاد و سرکوب مالی (سرکوب نرخ سود بانکی) نیز از عواملی هستند که بر کسری تراز تجاری اثرگذار هستند.

از طرفی، کاهش ارزش هر کیلو کالای صادراتی و افزایش ارزش هر کیلو کالای وارداتی کشور طی سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که صادرات ایران بر کالاهایی متمرکز شده که ارزش افزوده کمتر داشته‌اند و بنابراین فناوری کمتری در آنها نهفته و به تبع آن تجارت خارجی کشور، ارزآوری کمتر و ارزیابی بیشتری برای اقتصاد کشور در پی داشته است. استمرار رابطه مبادله کمتر از ۱ و کاهش آن نسبت به میانگین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین در مقابل واردات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر است.

نکته قابل توجه در این زمینه این است که علی‌رغم بهبود شاخص باز بودن اقتصاد طی دوره مورد بررسی، استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و اصرار بر تثبیت نرخ ارز اسمی به جای تثبیت نرخ ارز حقیقی، موجب تقویت بخش رانتي اقتصاد، کاهش اشتغال، عدم بازگشت ارزشهای صادراتی به کشور و خروج سرمایه شده و بخش خارجی آنچنانکه بایسته است، نتوانسته در اقتصاد ایران نقش آفرینی مؤثر و مثبتی ایفا نماید. همچنین بررسی شاخص تعرفه و شاخص آزادی تجاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که ایران در ردیف بالاترین کشورها در وضع محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای قرار دارد.

ب) وضعیت واردات و صادرات

آمار ارائه شده از سوی گمرک حکایت از درجه بالای تمرکز واردات کشور و سهم بالای ۵۰ درصد کالاهای واسطه‌ای از کل واردات طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ دارد که پیش‌نیاز تولید نیز می‌باشد. در نتیجه لزوم توجه به مدیریت واردات دوچندان می‌شود.

روند کاهشی واردات کالاهای سرمایه‌ای و روند نسبی افزایشی کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰، می‌تواند زنگ خطری برای کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید باشد که یکی از دلایل آن نیز تثبیت نرخ ارز اسمی بدون هدف مشخص و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور طی سال‌های مورد بررسی بوده است. البته عدم تمایل برخی از فروشندگان خارجی نیز به علت فشار تحریم‌ها در این مورد بدون تأثیر نبوده است. برای اثبات این ادعا می‌توان به آمار سرمایه‌گذاری خارجی استناد کرد که رقم آن از حدود ۴/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به رقم یک میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. به عبارتی دیگر در شرایط تثبیت نرخ ارز اسمی، اولاً خالص جریان سرمایه منفی بوده و ثانیاً انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در کشور به دلیل تقویت بخش‌های رانتي و دلالی، از بین رفته است.

در سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی و محدودیت تجاری ایجاد شده برای صادرکنندگان و همچنین شیوع ویروس کرونا روند صادرات غیرنفتی نزولی شده است. بر این اساس

اگرچه دولت در قالب بسته حمایت از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۹ اقدام به مقررانگذاری و حمایت از صادرکنندگان غیرنفتی کرده است، اما برآیند اقدامات انجام شده نتوانسته روند نزولی صادرات غیرنفتی را در سال‌های اخیر متوقف کند.

نسبت صادرات غیرنفتی به تولید داخلی از ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است که بیانگر کاهش نقش و اهمیت صادرات غیرنفتی در تولید کشور است.

از طرفی طی سال‌های مورد بررسی، علی‌رغم روند نزولی شاخص تمرکز صادراتی^۱ (شاخص از ۰/۱۳۲ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۰۸۷ در سال ۱۳۹۹ رسیده است)، این شاخص با نوسان زیادی مواجه بوده و روند تمرکز کالاهای صادراتی به‌طور مستمر کاهش نیافته است. این امر بیانگر فقدان راهبرد مشخص در تمرکززدایی از محصولات در صادرات غیرنفتی است.

اگرچه در اقتصاد ایران محصولات متنوعی تولید می‌شود، اما مقیاس صادراتی نیز در این میان مهم است و بررسی‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد متأسفانه چنین مقیاسی برای این تولیدات وجود ندارد؛ بلکه بسیاری از کالاها فقط برای تأمین نیاز داخل تولید می‌شود. برای نمونه در سال ۱۳۹۹ علی‌رغم وجود ۴۰۶۲ نوع محصول صادراتی، میزان صادرات اغلب کالاها ناچیز و زیر ۱۰ هزار دلار بوده است.

روند تمرکزگرایی در صادرات ایران در بازارهای هدف نیز طی دوره مورد بررسی رو به افزایش بوده است و از ۰/۱۳۶ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۱۵۳ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این روند نشان‌دهنده عملکرد ضعیف نهادهای متولی تجارت خارجی و فقدان دیپلماسی فعال تجاری جهت گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای مختلف دنیاست.

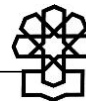
ج) وضعیت مناطق آزاد

آمارها نشان‌دهنده عملکرد ضعیف این مناطق در افزایش حجم تجارت خارجی کشور است. از طرفی میانگین رشد سالیانه تجارت در مناطق آزاد نیز ۰/۸- بوده است.

بررسی آمار دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۲ نشان می‌دهد، تراز تجاری در مناطق آزاد منفی بوده است. یکی از علت‌های اصلی این موضوع آن است که درآمدهای این مناطق برای تأمین زیرساخت‌ها، از محل واردات تأمین می‌شود و این مناطق اساساً برای توسعه خود به چنین درآمدهایی نیاز دارند.

براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۱۳۹۹ حجم تولید ناخالص داخلی ایران حدوداً ۱۹۱/۸ میلیارد دلار و حجم تجارت در همین سال در مناطق آزاد کشور ۱/۵ میلیارد دلار بوده است که سهم تولید مناطق آزاد در کل تولید داخلی کشور برابر با ۰/۸ بوده و نشان می‌دهد مناطق آزاد سهم ناچیزی در اقتصاد داشته‌اند.

۱. شاخص تمرکز صادرات میزان تمرکز و نحوه توزیع اقلام صادراتی یک اقتصاد را نشان می‌دهد.



حجم سرمایه‌گذاری خارجی تحقق‌یافته در مناطق آزاد نیز طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ به‌طور متوسط سالیانه حدود ۱۹۲ میلیون دلار و این رقم برای سرزمین اصلی حدود ۱/۸ میلیارد دلار بوده است؛ به‌عبارتی نسبت متوسط سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد به کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرزمین اصلی طی دوره مورد بررسی، حدود ۱۱ درصد بوده است که این مسئله نشان می‌دهد این مناطق نقش چندانی در جذب سرمایه‌های خارجی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تأسیس این مناطق در اقتصاد ایران نداشته‌اند.

د) وضعیت قاچاق کالا و ارز

نسبت کل قاچاق به تولید داخلی از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۹ درصد در سال ۱۳۹۸ و ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده و طی این دوره به‌طور متوسط سالیانه حدود ۹/۵ درصد رشد داشته است. از طرفی نسبت ارزش کل قاچاق به تجارت رسمی کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده و به‌طور متوسط سالیانه حدود ۹ درصد کاهش یافته است.

نسبت‌های مزبور بیانگر این واقعیت است که **اولاً** به‌دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره مورد بررسی و گران شدن کالاهای خارجی میزان قاچاق ورودی به کل واردات کاهش یافته و از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است و **ثانیاً** در سال‌هایی که تولید ناخالص داخلی به‌دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و تحریم روندی کاهشی داشته و همچنین به‌دلیل افزایش نرخ ارز و افزایش قاچاق خروجی (کاهش خالص صادرات کشور)، سهم قاچاق از تولید داخلی افزایشی بوده است. از طرفی به‌دلیل کامل نبودن سامانه‌های مربوط به تجارت خارجی، عدم ارتباط سامانه‌های گمرک، بانک مرکزی و برخی دستگاه‌های متولی تجارت خارجی با سامانه جامع تجارت و فراهم نشدن بستر مناسب برای شفافیت در نقل و انتقال ارز و تراکنش‌های مالی، اجرای کامل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز محقق نشده است و رسیدن به اهداف قانونگذار در این حوزه با چالش‌های جدی مواجه است. از طرفی برخی ملاحظات معیشتی به‌دلیل عدم توسعه‌یافتگی و اشتغال پایدار در مناطق مرزی سبب انحراف معافیت‌های قانونی در اجرا شده است.

مقدمه

هدف اصلی این گزارش ارزیابی عملکرد بخش خارجی اقتصاد با تأکید بر سال ۱۳۹۹ است. در این راستا بخش خارجی شامل حوزه تجارت خارجی، ترازپرداخت‌ها، مناطق آزاد و قاچاق کالا و ارز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. با عنایت به اینکه بخش‌های ذکر شده جزو مهم‌ترین بخش اقتصادی یعنی حوزه بازرگانی هستند که با سایر بخش‌های اقتصاد رابطه تنگاتنگ و مکملی دارند، بررسی آن ضرورت داشته

و می‌تواند ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف بخش خارجی، راهکارهایی را جهت کمک به رفع مشکلات اقتصاد ایران نیز ارائه نماید.

واقعیت این است که تحلیل اقتصاد ایران بدون تحلیل اجزای آن که بخش خارجی نیز یکی از آن اجزا است، تحلیل کامل و دقیقی نخواهد بود؛ در این راستا گزارش حاضر با محوریت بخش خارجی برای سال ۱۳۹۹ به رشته تحریر درآمده است تا بتواند شناخت دقیقی را در این حوزه برای تحلیل کلان اقتصاد ایران ارائه نماید.

با عنایت به مطالب فوق در این گزارش در بخش اول، تحلیل کلی بخش خارجی اقتصاد شامل تراز پرداخت‌ها، تجارت خارجی، شاخص‌های باز بودن اقتصاد و اکمال تجاری و... در بخش دوم، تحلیل زیربخش‌های بخش خارجی اقتصاد و در بخش سوم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهاد ارائه شده است.

۱. تحلیل کلی بخش خارجی اقتصاد

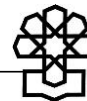
در این بخش، روند کلی بخش خارجی اقتصاد تبیین و تحلیل می‌شود.

۱-۱. تحلیلی بر روند بخش خارجی اقتصاد کشور

در بخش اول تحلیل عملکرد بخش خارجی اقتصاد، ابتدا وضعیت کلی این بخش بررسی می‌شود. چنانچه در جدول ۱ نشان داده شده است، ارزش دلاری تجارت خارجی از حدود ۹۵/۶ میلیارد دلار (۱۲۹/۷ هزار میلیارد تومان) در سال ۱۳۹۰ به حدود ۷۳/۹ میلیارد دلار (۱۶۹۰۶/۹ هزار میلیارد تومان) در پایان سال ۱۳۹۹ رسیده و طی این دوره به‌طور متوسط سالیانه حدود ۲/۸ درصد کاهش داشته است. ارزش دلاری تجارت خارجی در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ نیز حدود ۱۳ درصد کاهش یافته و از حدود ۸۵ میلیارد دلار به حدود ۷۳/۸ میلیارد دلار رسیده است (هرچند ارزش ریالی آن به نرخ بازار آزاد بیش از ۵۳ درصد رشد نشان می‌دهد و از ۱۰۹۸۷/۷ هزار میلیارد تومان به ۱۶۹۰۶/۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است).

در مجموع با خروج یکجانبه دولت آمریکا از توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی در دو مرحله طی سال ۱۳۹۷، فضای بازرگانی خارجی کشور شرایط متفاوتی را تجربه کرد.

البته یکی از دلایل اصلی افت تجارت خارجی طی سال‌های مورد بررسی علاوه بر مشکلات تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به‌خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و ادامه آن تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۹ بوده است. شایان ذکر است جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش



فزاینده هزینه مبادله و افزایش هزینه تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولیدشده و هرچقدر تولید داخلی به این واردات وابستگی بالایی داشته باشد، قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش می‌دهد و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی می‌شود؛ از طرف دیگر جهش‌های ارزی با ایجاد نااطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌نظمی در واردات نیز می‌شود (عدم تحقق شرط مارشال لرنر در اقتصاد ایران). این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف بازرگانی خارجی ایران در سطح منطقه و بین‌المللی شده که در بخش‌های بعدی بررسی شده است.

جدول ۱. روند تجارت خارجی کشور ۱۳۹۹-۱۳۹۰ (میلیون دلار/میلیارد ریال و درصد)

| سال | حجم تجارت خارجی (مجموع واردات و صادرات غیرنفتی) (میلیون دلار) | میانگین سالیانه نرخ ارز بازار غیررسمی (دلار = ریال) | حجم تجارت خارجی (میلیارد ریال)* | میانگین رشد سالیانه تجارت خارجی (دلاری/درصد) |
|------|---|---|---------------------------------|--|
| ۱۳۹۰ | ۹۵۶۲۶/۸ | ۱۳۵۶۸ | ۱۲۹۷۴۶۴۴/۲ | |
| ۱۳۹۱ | ۸۶۰۱۸/۱ | ۲۶۰۵۹ | ۲۲۴۱۵۴۱۵۶/۷ | |
| ۱۳۹۲ | ۸۱۲۶۱/۰ | ۳۱۸۳۹ | ۲۵۸۷۲۶۸۹/۸ | |
| ۱۳۹۳ | ۹۰۱۲۴/۷ | ۳۲۸۰۱ | ۲۹۵۶۱۸۰۲/۸ | |
| ۱۳۹۴ | ۷۷۱۴۸/۳ | ۳۴۵۰۱ | ۲۶۶۱۶۹۳۵ | -۲/۸ |
| ۱۳۹۵ | ۸۰۴۰۶/۸ | ۳۶۴۴۰ | ۲۹۳۰۰۲۳۷/۹ | |
| ۱۳۹۶ | ۹۴۳۷۸/۸ | ۴۰۴۵۳ | ۳۸۱۷۹۰۵۶ | |
| ۱۳۹۷ | ۸۲۷۴۹/۱ | ۱۰۳۳۷۸ | ۸۵۵۴۴۳۶۴/۶ | |
| ۱۳۹۸ | ۸۵۰۵۴/۰ | ۱۲۹۱۸۵ | ۱۰۹۸۷۷۰۱۰ | |
| ۱۳۹۹ | ۷۳۸۹۱/۰ | ۲۲۸۸۰۹ | ۱۶۹۰۶۹۲۵۸ | |

مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی. <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

* محاسبات ارزش ریالی تجارت خارجی بر مبنای میانگین سالیانه نرخ دلار بازار آزاد محاسبه شده که از وبگاه بانک مرکزی و از نماگرهای اقتصادی این بانک استخراج شده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که اپیدمی کووید - ۱۹ (کرونا) نیز در سال ۱۳۹۹ در کاهش حجم تجارت خارجی تأثیر بسزایی داشته است. چراکه کرونا سطح تقاضای کل جهانی را کاهش داده است^۱ و از آنجاکه ایران صادرکننده محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته است، بنابراین صادرات و به‌عبارتی تجارت خارجی کشور هم متأثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب‌وکارها و گمرکات کشورها، سختی جابه‌جایی و تأمین مالی و توقف حوزه لجستیک و... به‌خصوص در نیمه اول سال ۱۳۹۹ مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات

۱. حجم تجارت جهانی براساس گزارش Trade Map از حدود ۲۷/۶ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به حدود ۲۴/۶ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است.

به دلیل کاهش تولید و به تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش حجم و ارزش تجارت خارجی شده است.^۱ با بررسی سهم تجارت کشور از سهم تجارت جهانی، می‌توان دریافت که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۵-۱۳۹۹) همواره سهم کشور از تجارت جهانی کمتر از ۰/۵ درصد بوده و پس از سال ۱۳۹۷ نیز وضعیت تجارت خارجی کشور بدتر شده و سهم آن از تجارت جهانی از ۰/۳ درصد به ۰/۲ درصد کاهش یافته است (جدول ۲). از طرفی علی‌رغم اینکه حجم تجارت جهانی از حدود ۳۲ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۵ به حدود ۳۵ هزار میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته، طی دوره مورد بررسی، حجم تجارت ایران از حدود ۸۰ میلیارد دلار به حدود ۷۴ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر روند ضد ادواری تجارت خارجی کشور در مقایسه با تجارت جهانی است. چنین روندی می‌تواند نشان‌دهنده ضعف زیرساخت‌های بازرگانی (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و...)، فقدان استراتژی توسعه تجاری، ضعف دیپلماسی فعال اقتصادی و تجاری و همچنین توجه ناکافی به اهمیت بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران باشد. برای نمونه توقف و تأخیر در پهلویی‌گیری کشتی‌های ایرانی در کشورهای طرف تجاری، فقدان کشتی‌های دارای یخچال استاندارد و همچنین بی‌توجهی به مشکلات صادرکنندگان و فعالان حوزه بازرگانی از سوی دستگاه‌های متولی بازرگانی خارجی کشور، از جمله این موارد است.^۲

جدول ۲. سهم تجارت خارجی ایران از تجارت جهان ۱۳۹۵-۱۳۹۹ (میلیارد دلار/درصد)

| سال | حجم تجارت جهان | حجم تجارت ایران | سهم تجارت خارجی ایران از تجارت جهان |
|------|----------------|-----------------|-------------------------------------|
| ۱۳۹۵ | ۳۱۷۶۳/۰ | ۸۰/۴ | ۰/۳ |
| ۱۳۹۶ | ۳۵۱۰۷/۷ | ۹۴/۴ | ۰/۳ |
| ۱۳۹۷ | ۳۸۷۳۲/۵ | ۸۲/۷ | ۰/۲ |
| ۱۳۹۸ | ۳۷۵۸۸/۰ | ۸۵/۱ | ۰/۲ |
| ۱۳۹۹ | ۳۴۶۱۱/۴ | ۷۳/۹ | ۰/۲ |

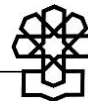
Source: https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx

۱-۲. بررسی اجزای مهم تراز پرداخت‌های خارجی

بررسی وضعیت خالص صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹ همواره تراز این حساب منفی، اما حجم آن کاهش یافته است. به عبارتی علی‌رغم منفی بودن خالص صادرات غیرنفتی طی سال‌های مورد بررسی، وضعیت منفی خالص صادرات به‌طور متوسط سالیانه حدود ۲۳/۷ درصد بهبود یافته است به طوری که از رقم منفی ۴۴/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به رقم منفی ۱۱/۲ میلیارد

۱. برای نمونه خشکسالی و یا افزایش بیکاری به‌خاطر کرونا منجر به کاهش تولید شده و در مرحله بعد به دلیل کاهش قدرت خرید منجر به کاهش تقاضا نیز می‌شود.

۲. برگرفته از مستندات ارائه شده در کنفدراسیون صادرات کشور در اتاق تهران، اسفندماه ۱۳۹۹.



دلار در پایان سال ۱۳۹۸ و منفی ۲/۶ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است (جدول ۳). دلیل چنین روندی به خصوص در سال‌های پس از سال ۱۳۹۶ افزایش رشد کاهشی واردات به دلیل تحریم و کرونا در مقایسه با صادرات بوده است. به خصوص رشد مثبت صادرات در بخش کالاهای شیمیایی، معدنی و محصولات کشاورزی نقش بسزایی در این زمینه ایفا کرده است.^۱

شایان ذکر است تراز مثبت و منفی ضرورتاً پدیده منفی نیست. باید دید نوع کالایی که صادر یا وارد می‌شود، چه نوع کالایی خواهد بود. طبیعتاً اگر کالای سرمایه‌ای در واردات و محصول نهایی در صادرات بیشتر باشد، این تراز منفی در بلندمدت می‌تواند مثبت و به نفع اقتصاد کشور باشد.^۲

بررسی وضعیت خالص حساب خدمات و سرمایه نیز نشان می‌دهد روند این دو قلم از تراز پرداخت‌ها طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۰-۱۳۹۹) تقریباً شبیه به هم بوده و همواره روندی منفی داشته است؛ با این تفاوت که وضعیت حساب سرمایه همواره بدتر از حساب خدمات بوده است. روند همواره منفی حساب سرمایه بخشی از خروج سرمایه از کشور را در اثر نااطمینانی‌های موجود در اقتصاد ایران توضیح می‌دهد.

شایان ذکر است در اینجا باید به نقش تورم در کاهش ارزش پول و تمایل به حفظ ارزش دارایی نیز اشاره کرد. با توجه به قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و سیاست‌هایی که اثر تورمی بر ارزش دارایی را به‌منزله افزایش ارزش دارایی در نظر می‌گیرند در حالی که باید از خالص رشد ارزش دارایی مالیات اخذ شود، سرمایه به جایی می‌رود که منطق سیاست‌گذاری درست‌تری داشته باشد.

در سال‌های اخیر و به خصوص از سال ۱۳۹۶ به بعد روند سرمایه‌گذاری ایرانیان (خروج سرمایه) در بخش املاک و مستغلات ترکیه و گرجستان روندی فزاینده داشته است.^۳

درواقع صاحبان سرمایه در دوره مورد بررسی، ترجیح داده‌اند بخشی از دارایی و درآمد خود را، با هدف حفظ و انباشت سرمایه در جایی سرمایه‌گذاری و یا پس‌انداز نمایند که ثبات و امنیت حاکم باشد و چشم‌انداز روشنی از فضای رشد و سرمایه‌گذاری پیش رو باشد. درواقع آمار ورود یا خروج سرمایه ارزی به کشور، نه فقط یک متغیر اقتصادی، بلکه انعکاسی از ارزیابی فعالان اقتصادی در مورد ظرفیت رشد و توسعه سرمایه‌گذاری در کشور نیز است.

وضعیت همواره منفی حساب خدمات نیز نشان می‌دهد که در مراودات تجاری، طرف مقابل تجارت با جمهوری اسلامی ایران همواره از محل ارائه خدمات (حمل‌ونقل، بانک، صرافی، بیمه، انبارداری، بهداشتی، مهندسی و تخلیه و بارگیری) منافع بیشتری کسب کرده و به‌عبارتی ایران از خدمات طرف

۱. برای مطالعه بیشتر به گزارش شماره ۱۷۰۳۹ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص آسیب‌شناسی روند صادرات غیرنفتی مراجعه شود.

۲. البته کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای نیز در شرایطی می‌تواند به نفع اقتصاد کشور باشد. مانند رشد تولید قطعه‌سازی ناشی از کاهش واردات قطعه از طرف خودروسازان.

۳. براساس اعلام رئیس اتاق بازرگانی ایران، در مجموع ۹ سال (۱۳۹۰-۱۳۹۸) معادل ۹۸/۴ میلیارد دلار و به‌طور متوسط سالیانه ۱۱ میلیارد دلار سرمایه در هر سال از اقتصاد ایران خارج شده است.

تجاری بیشتر استفاده کرده است. این‌گونه نیز می‌توان تفسیر نمود که در مراودات و تفاهنامه‌های همکاری متقابل تجاری، طرف مقابل همکاری تجاری با ایران توانسته است همواره امتیازات بیشتری را در خصوص ارائه خدمات تجاری به نفع خود اخذ کند و یا شرایط ارائه خدمات تجاری در داخل کشور کیفیت پایینی دارد و بازرگانان ترجیح می‌دهند از خدمات کشور خارجی بیشتر استفاده نمایند (حداقل در حوزه کشتیرانی این‌گونه است).^۱ لذا در چنین وضعیتی توجه به اهمیت دیپلماسی تجاری و ارتقای کیفیت خدمات بازرگانی، بیش از پیش نمود عینی می‌یابد.

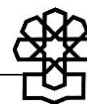
البته در مجموع طی سال‌های مورد بررسی، روند کاهشی تراز منفی در خصوص خالص حساب‌های خدمات و سرمایه نیز صادق است. برای نمونه وضعیت خالص حساب سرمایه از منفی ۱۹/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به منفی ۶/۷ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۸ و منفی ۶/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است (جدول ۳). این امر در خصوص خالص حساب خدمات نیز صادق است و رقم آن از منفی ۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به حدود منفی ۴ میلیارد دلار در پایان سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

در نهایت وضعیت موازنه کل پرداخت‌های خارجی کشور قرار دارد (تغییر در ذخایر بین‌المللی). وضعیت موازنه کل نشان می‌دهد که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۰-۱۳۹۹) وضعیت ذخایر بین‌المللی کشور بدتر شده و از حدود ۲۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱/۳ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۸ و منفی ۲/۶ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. البته در برخی سال‌ها نظیر سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تغییر در ذخایر بین‌المللی کشور منفی بوده است.

کاهشی بودن وضعیت موازنه کل کشور عمدتاً ریشه در منفی بودن حساب جاری دارد (شامل خالص حساب سرمایه، خالص حساب خدمات، خالص صادرات، خالص حساب درآمد و خالص انتقالات رسمی است). در این میان وضعیت بد خالص صادرات، خالص حساب سرمایه و خالص حساب خدمات بیش از سایر عوامل در کاهش موازنه کل یا منفی بودن آن نقش داشته‌اند که در بخش‌های قبلی دلایل آن توضیح داده شد.

آنچه در این زمینه نمایان است، اینکه بخش تراز پرداخت‌ها یا موازنه کل کشور (تغییر در ذخایر بین‌المللی) نه تنها بیانگر بالا بودن اهمیت توجه به بخش خارجی اقتصاد است، بلکه بیانگر تدبیر بهبود آن از طریق طراحی استراتژی توسعه صنعتی، استراتژی توسعه بازرگانی و استراتژی سیاستگذاری پولی (ارزی) (به مفهوم حفظ ثبات قیمت‌ها) و هماهنگ‌سازی این استراتژی‌ها با یکدیگر است. البته باید عنوان نمود که عوامل مختلف اقتصادی نظیر کسری بودجه دولت، استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی در اقتصاد و سرکوب مالی (سرکوب نرخ سود بانکی) نیز از عواملی هستند که بر کسری تراز تجاری اثرگذارند و باید نحوه اثرگذاری آنها در یک گزارش تفصیلی دیگر بررسی شود.

۱. مستخرج از اظهارات فعالان اقتصادی در نشست مشترک با رئیس سازمان کشتیرانی و دریانوردی در اسفندماه ۱۳۹۹ در اتاق تهران.



جدول ۳. اجزای مهم تراز پرداخت‌های خارجی ۱۳۹۹-۱۳۹۰ (میلیارد ریال)

| سال | خالص صادرات (غیرنفتی) (میلیون دلار) | خالص حساب خدمات (میلیون دلار) | خالص حساب سرمایه (میلیون دلار) | موازنه کل (تغییر در ذخایر بین‌المللی) (میلیون دلار) |
|---|---|-------------------------------------|--------------------------------------|---|
| ۱۳۹۰ | -۴۴۲۰۸,۳ | -۹۶۷۷/۸ | -۱۹۳۰۴/۳ | ۲۱۴۳۶/۳ |
| ۱۳۹۱ | -۳۶۱۶۶,۴ | -۵۷۱۰/۲ | -۹۹۴۸/۳ | ۱۲۲۱۲/۸ |
| ۱۳۹۲ | -۳۲۰۳۱,۷ | -۴۷۸۶/۶ | -۹۳۲۱/۲ | ۱۳۱۸۸/۸ |
| ۱۳۹۳ | -۳۴۳۶۰,۱ | -۵۰۳۲/۵ | ۵۵۹/۲ | ۸۵۶۰/۹ |
| ۱۳۹۴ | -۲۲۰۳۱,۹ | -۴۵۴۳/۷ | ۲۳۴۶/۳ | ۲۲۳۳/۲ |
| ۱۳۹۵ | -۲۶۷۲۲,۷ | -۵۸۱۷/۰ | -۱۲۳۳۷/۷ | -۷۶۶۶/۱ |
| ۱۳۹۶ | -۳۳۹۲۰,۷ | -۷۹۸۸/۴ | -۱۹۴۴۱/۱ | -۸۱۳۹/۶ |
| ۱۳۹۷ | -۲۱۱۷۴,۸ | -۶۵۴۳/۱ | -۱۶۰۴۴/۱ | ۹۸۷۹/۹ |
| ۱۳۹۸ | -۱۱۲۴۰ | -۴۰۳۸/۲ | -۶۶۶۸/۸ | ۱۲۹۷/۷ |
| ۱۳۹۹ | -۳۷۸۲۵ | -۳۹۹۹ | -۶۳۱۸ | -۲۶۴۱ |
| میانگین رشد سالیانه ۱۳۹۹-۱۳۹۰ (درصد) | ۲۶/۹ | ۹/۴ | ۱۱/۷ | -۲۰/۸ |

مآخذ: ۱. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی: <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

۲. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سه‌ماهه چهارم سال ۱۳۹۹.

۳-۱. رابطه مبادله

برای رابطه مبادله تعاریف و روابط مختلفی ارائه شده است که می‌توان آنها را در سه گروه طبقه‌بندی کرد: گروه اول از تعاریف نمایانگر رابطه مبادله میان کشورهاست که در این گروه می‌توان به رابطه مبادله تهاتری خالص^۱ و ناخالص^۲ و رابطه مبادله درآمدی^۳ اشاره کرد. گروه دوم از تعاریف رابطه مبادله، معطوف به رابطه میان منابع تولیدی است که از آن جمله می‌توان به رابطه مبادله مضاعف عوامل تولیدی^۴ اشاره کرد و بالاخره گروه سوم از تعاریف رابطه مبادله، منافع به‌دست‌آمده از تجارت را براساس تحلیل مطلوبیت مورد بررسی قرار می‌دهند. از این میان می‌توان به رابطه مبادله هزینه واقعی^۵ و رابطه مبادله مطلوبیت^۶ اشاره کرد. با توجه به طبقه‌بندی‌های فوق به‌اجمال تعاریف و مفاهیم رابطه مبادله ارائه می‌شود:

الف) رابطه مبادله تهاتری خالص: این رابطه مبادله (TOTnb) ساده‌ترین و متداول‌ترین نوع رابطه مبادله است که نشان می‌دهد کشورها به‌ازای یک واحد صادرات، چه میزان کالا وارد می‌کنند. برای محاسبه رابطه مبادله مذکور، شاخص قیمت کالاهای صادراتی Px بر شاخص قیمت کالاهای وارداتی Pm تقسیم می‌شود:

1. Net Barter Terms of Trade
2. Gross Barter Terms of Trade
3. Income Terms of Trade
4. Single Factoral Terms of Trade
5. Real Cost Terms of Trade
6. Utility Terms of Trade

$$TOT_{nb} = (P_x/P_m)$$

بهبود رابطه مبادله خالص بیانگر آن است که یک کشور با صدور مقادیر مشخصی از کالا می‌تواند حجم بیشتری از واردات را به‌دست آورد و تنزل آن مبین آن است که با صدور مقادیر مشخصی کالا، حجم کمتری از واردات به‌دست خواهد آمد.

ب) رابطه مبادله تهاتری ناخالص: این رابطه مبادله TOT_g ، از حاصل نسبت واردات فیزیکی کل یک کشور (Q_m) به صادرات فیزیکی کل آن کشور (Q_x) به‌دست می‌آید. رابطه مبادله تهاتری ناخالص را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

$$TOT_g = (Q_m/Q_x)$$

بهبود رابطه مبادله ناخالص، واردات بیشتری را در مقابل حجم مشخصی از صادرات به نسبت سال پایه امکان‌پذیر می‌کند.

ج) رابطه مبادله درآمدی: یکی از انواع مهم رابطه مبادله، رابطه مبادله درآمدی است. ممکن است رابطه مبادله خالص کشوری طی دوره‌ای تا حدودی رو به وخامت گذارد، ولی در عوض حجم صادرات کشور افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد و در نتیجه بر میزان قدرت کشور برای وارد کردن کالا افزوده می‌شود. به همین منظور برای نشان دادن تغییرات حجم صادرات و قدرت واردات کشور از رابطه مبادله درآمدی (TOT_i) استفاده می‌شود که از ضرب رابطه مبادله خالص در حجم صادرات کشور (Q_x) به‌دست می‌آید:

$$TOT_i = (P_x/P_m) \times Q_x = TOT_{nb} \times Q_x$$

رابطه مبادله درآمدی نشانگر ظرفیت وارداتی یک کشور براساس صادرات آن کشور است. به بیان دیگر بهبود در رابطه مبادله درآمدی، نمایانگر افزایش ظرفیت وارداتی است و نشان می‌دهد در برابر صادرات، حجم بیشتری از واردات را می‌توان به‌دست آورد.

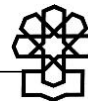
در جدول ۴، رابطه مبادله براساس روش تهاتری خالص طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ محاسبه شده است.

جدول ۴. آمار رابطه مبادله براساس روش تهاتری خالص ۱۳۹۹-۱۳۹۰

| سال | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵ | ۱۳۹۶ | ۱۳۹۷ | ۱۳۹۸ | ۱۳۹۹ |
|---|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| قیمت دلاری هر کیلو کالای صادراتی (دلار) | ۰/۵۷ | ۰/۵۲ | ۰/۴۵ | ۰/۵۱ | ۰/۴۵ | ۰/۳۳ | ۰/۳۵ | ۰/۳۸ | ۰/۳۰ | ۰/۳۰ |
| قیمت دلاری هر کیلو کالای وارداتی (دلار) | ۱/۶۱ | ۱/۳۵ | ۱/۴۸ | ۱/۲۷ | ۱/۱۸ | ۱/۳۰ | ۱/۴۰ | ۱/۳۲ | ۱/۲۳ | ۱/۲۰ |
| رابطه مبادله | ۰/۳۵ | ۰/۳۸ | ۰/۳۰ | ۰/۴۰ | ۰/۳۸ | ۰/۲۵ | ۰/۲۵ | ۰/۲۸ | ۰/۲۴ | ۰/۲۵ |

مأخذ: محاسبه‌شده براساس آمار مندرج در پایگاه اینترنتی گمرک جمهوری اسلامی ایران (www.irica.gov.ir)

جدول فوق به شکلی واضح بیانگر ساختار نامطلوب تجارت خارجی در کشور است. زیرا طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹، قیمت هر کیلو کالای صادراتی کم شده و قیمت هر کیلو کالای وارداتی روند نامنظمی داشته



است که در مجموع اثر آن منجر به کاهش رابطه مبادله شده است. به عبارت دیگر کاهش ارزش هر کیلو کالای صادراتی و افزایش ارزش هر کیلو کالای وارداتی کشور طی سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که صادرات ایران بر کالاهایی متمرکز شده است که ارزش افزوده کمتر داشته‌اند و بنابراین فناوری کمتری در آنها نهفته و به تبع آن تجارت خارجی کشور، ارزش آوری کمتر و ارزشی بیشتری برای اقتصاد کشور در پی داشته است.

استمرار رابطه مبادله کمتر از یک و کاهش آن نسبت به میانگین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین در مقابل واردات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر است. بنابراین لازم است در سیاست‌های اقتصادی به صادرات کالا با ارزش افزوده بالاتر توجه بیشتری شود. این واقعیت نیز به خوبی بیانگر عدم تحقق شرط مارشال - لرنر در اقتصاد ایران و متضرر شدن آن در نتیجه جهش‌های ارزی است.

۴-۱. درجه باز بودن اقتصاد

درجه باز بودن یک اقتصاد بیانگر میزان تبادل کالا و خدمات در یک اقتصاد با دنیای خارج است. نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی و نرخ تعرفه واردات به عنوان شاخص‌هایی است که درجه باز بودن یک اقتصاد را نشان می‌دهند. در واقع چنانچه نسبت تجارت خارجی به هزینه داخلی بالا و افزایشی باشد و همچنین نرخ متوسط تعرفه کاهش یابد، اقتصاد به شرایط رقابت آزاد نزدیک‌تر و درجه باز بودن اقتصاد افزایش می‌یابد.

در جدول ۵ نسبت تجارت خارجی به هزینه‌های ناخالص داخلی (تولید داخلی) طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ ارائه شده است. نسبت مزبور از $\frac{20}{3}$ درصد در سال ۱۳۹۰ به $\frac{48}{2}$ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده که نشان می‌دهد نقش تجارت خارجی کشور در اقتصاد ایران پررنگ و با اهمیت شده است. البته برای بررسی دقیق‌تر این موضوع که آیا افزایش تجارت خارجی به سود اقتصاد ملی است یا صرفاً سبب صادرات مواد خام و مورد نیاز کشور شده است؟ لازم است اقلام صادراتی و وارداتی به صورت جزئی‌تر بررسی و مطالعه شود.

یکی از دلایلی که تحریم‌های اقتصادی روی تجارت خارجی کشور و مبادلات مالی آن متمرکز شده است نیز همین بوده که طرف غربی تلاش کرده ضمن کاهش رشد اقتصادی ایران و تضعیف پول ملی کشور، ظرفیت استفاده از تجارت خارجی را نیز برای جمهوری اسلامی محدود نماید تا ایران نتواند مشکلات ارزی و تولیدی خود را مدیریت و حل نماید. اما نسبت‌های موجود نشان می‌دهد روند تجارت خارجی در کل تولید داخلی کشور مؤثر و مفید بوده است.

نکته قابل توجه در این زمینه این است که، علی‌رغم بهبود شاخص باز بودن اقتصاد طی دوره مورد بررسی، استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و اصرار بر تثبیت نرخ ارز اسمی به جای تثبیت نرخ ارز حقیقی، موجب تقویت بخش رانتی اقتصاد، کاهش اشتغال عدم بازگشت ارزهای صادراتی به کشور و خروج سرمایه شده و بخش خارجی آنچنانکه بایسته است، نتوانسته در اقتصاد ایران نقش‌آفرینی مؤثر و مثبتی

ایفا نماید. لذا در این بخش باید بیشتر به فکر تغییر رویه‌ها و سیاست‌های کنونی مدیریت نرخ ارز و لنگر اسمی مورد استفاده در اقتصاد کشور بود.

از طرف دیگر ایران از جمله کشورهایی است که همواره نرخ‌های تعرفه واردات بالایی داشته است؛ درصد تعرفه متوسط واردات در سال‌های مختلف در جدول ۶ ارائه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد متوسط تعرفه سالیانه واردات از ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است که نشان از بهبود شاخص باز بودن اقتصاد طی دوره مورد بررسی دارد. هرچند طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ متوسط نرخ تعرفه سالیانه به ترتیب ۱۳/۳ و ۱۲/۲ درصد بوده که بیانگر تحدید شاخص باز بودن اقتصادی در سال‌های مزبور است.

جدول ۵. نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)

| سال | نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد) |
|------|---|
| ۱۳۹۰ | ۲۰/۳ |
| ۱۳۹۱ | ۳۰/۵ |
| ۱۳۹۲ | ۲۶/۰ |
| ۱۳۹۳ | ۲۵/۷ |
| ۱۳۹۴ | ۲۳/۳ |
| ۱۳۹۵ | ۲۲/۳ |
| ۱۳۹۶ | ۲۴/۹ |
| ۱۳۹۷ | ۴۴/۷ |
| ۱۳۹۸ | ۴۵/۰ |
| ۱۳۹۹ | ۴۸/۲ |

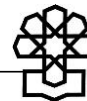
مأخذ: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی:

<https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

البته علی‌رغم موارد فوق، بررسی برخی شاخص‌ها از جمله شاخص آزادی تجاری^۱ که میزان محدودیت‌های تعرفه‌ای (میانگین وزنی نرخ تعرفه) و محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای (مانند محدودیت‌های مقداری، محدودیت‌های قیمتی و محدودیت‌های قانونی) را در تجارت خارجی اندازه می‌گیرد، مطلوب نیست. در این شاخص، عدد ۱۰۰ بیانگر آزادی کامل در تجارت خارجی است (التجائی و پورباقر، ۱۳۹۳).^۲ براساس گزارش بنیاد هریتیج که هر ساله درجه آزادی اقتصادی کشورهای جهان را اندازه‌گیری می‌کند در سال ۲۰۲۱ رتبه جمهوری اسلامی ایران در این شاخص ۵۴/۲ بوده و به لحاظ وضع محدودیت‌های تجاری در ردیف پنجمین کشور جهان در میان ۱۷۸ کشور جهان قرار دارد. این در حالی است که در

1. Index of Trade Freedom (IOTF)

۲. شایان ذکر است، به نظر می‌رسد افزایش تعرفه بیشتر با هدف تأمین منابع دولت و جلوگیری از خروج ارز صورت گرفته و الزاماً حمایت از تولید و رشد اقتصادی مدنظر نبوده است.



سال ۲۰۱۹ میانگین شاخص آزادی تجاری در جهان برابر ۷۰/۹ بوده است.^۱ به عبارت دیگر بررسی شاخص تعرفه و شاخص آزادی تجاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد که ایران در ردیف بالاترین کشورها در وضع محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای قرار دارد.^۲ البته نرخ ارز مبنای حقوق ورودی نیز بحثی است که علی‌رغم بهبود شاخص باز بودن اقتصادی، به دلیل سیاست‌های نادرست خود دولت و بانک مرکزی، همواره پایین‌تر از نرخ‌های متعارف بازار تعیین و ملاک عمل قرار گرفته است. در این راستا ضمن اینکه بسیاری از حقوق دولتی در این رویه اجرایی و به نفع اشخاصی محدود، پامال شده است؛ ارزهای محدود کشور نیز صرف واردات کالاهای غیرضروری شده و کالاهای اساسی در گمرکات و بنادر کشور انباشته شده‌اند که امکان کاهش کیفیت و فسادپذیری آنها وجود دارد. در حالی که با نرخ‌گذاری منطقی نرخ ارز مبنای حقوق ورودی و هم‌زمان با سیاست درست تعرفه‌ای، اولاً بخشی از کسری بودجه سالیانه دولت از این مسیر قابل تأمین است و ثانیاً، کالاهای اساسی و ضروری کشور در اولویت واردات قرار می‌گیرند. لذا باید از لحاظ سیاستی چاره‌اندیشی کرد.^۳

(میلیارد ریال/درصد)

جدول ۶. درصد تعرفه متوسط واردات

| سال | واردات | مالیات بر واردات | درصد تعرفه متوسط واردات |
|------|---------|------------------|-------------------------|
| ۱۳۹۰ | ۶۷۳۰۴۱ | ۷۸۹۲۹ | ۱۱/۷ |
| ۱۳۹۱ | ۸۳۳۱۴۸ | ۷۶۴۰۲ | ۹/۱ |
| ۱۳۹۲ | ۱۲۳۱۱۸۱ | ۸۰۳۹۷ | ۶/۵ |
| ۱۳۹۳ | ۱۴۱۳۱۶۷ | ۱۳۳۴۲۵ | ۹/۴ |
| ۱۳۹۴ | ۱۳۲۱۱۸۳ | ۱۱۵۵۴۲ | ۸/۷ |
| ۱۳۹۵ | ۱۳۶۸۵۹۷ | ۱۸۲۹۳۸ | ۱۳/۳ |
| ۱۳۹۶ | ۱۸۴۹۴۸۲ | ۲۲۶۷۱۴ | ۱۲/۲ |
| ۱۳۹۷ | ۱۷۷۴۷۴۵ | ۱۸۷۶۲۳ | ۱۰/۵ |
| ۱۳۹۸ | ۱۸۳۵۸۰۲ | ۲۰۳۱۲۲ | ۱۱ |
| ۱۳۹۹ | ۱۶۳۴۰۹۹ | ۱۷۹۷۳۷ | ۱۰/۹ |

مأخذ: محاسبات محقق براساس داده‌های سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس تارنمای www.cbi.ir و آمار اعلام شده گمرک جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های مختلف.

1. <https://www.heritage.org/index/heatmap>

۲. هرچند کشوری که با تحریم مواجه است، کاهش نرخ تعرفه ممکن است فقط بازار داخلی را برای خارجی‌ها باز کند، اما این آمار نشان می‌دهد تحریم چگونه بر محدودیت‌های تجاری تأثیرگذار بوده است. لذا برای بررسی دسترسی به بازار خارجی لازم است تعرفه کشور طرف تجاری بررسی شود.

۳. برخی شواهد نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه در قانون بودجه سال ۱۴۰۰، نرخ ارز مبنای حقوق ورودی برای کالاهای غیرضروری و غیراساسی براساس نرخ ETS و حدود ۱۷۵۰۰۰ ریال تعیین و تصویب شده است، دولت دوازدهم در یک اقدامی عجیب و غیرقانونی، نرخ ارز مبنای حقوق ورودی را برای کلیه کالاها تا اطلاع ثانوی ۴۲۰۰۰ ریال اعلام کرده است؛ این امر موجب شده ضمن واردات کالاهای غیراساسی در چند ماهه اول سال ۱۴۰۰ به دلیل رانت نرخ ارز مبنای حقوق ورودی، میزان ارز موجود جهت واردات کالاهای اساسی محدود شده و بسیاری از کالاهای ضروری در گمرکات و بنادر کشور انباشته شود و کالاهای غیرضروری نظیر موز و... در اولویت واردات به کشور قرار گیرند.

۲. تحلیل زیربخش‌های بخش خارجی اقتصاد

در این بخش، اجزای مهم حوزه تجارت خارجی تبیین و تحلیل می‌شود.

۲-۱. واردات

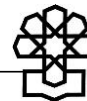
در ادبیات اقتصاد مقاومتی، توان تولید داخلی نقش محوری ایفا می‌کند و هرچه اندازه توانایی تولید داخلی بیشتر باشد، نوسانات، کمتر اقتصاد ملی را دچار مشکل می‌کند. اقتصاد کشور بی‌شک در هر صورت تا اندازه‌ای به دنیای خارج وابسته است. این وابستگی به محصولات وارداتی به دو گروه عمده وابستگی به محصولات مصرفی و وابستگی به ملزومات تولیدی تقسیم می‌شود. از بُعد وابستگی به کالاهای مصرفی، هرچه این وابستگی بیشتر باشد تهدید جدی‌تر است. از سوی دیگر تولیدات داخلی نیز نیازمند کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و مواد خام برای تولید می‌باشد که با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور اقتصاد مقاومتی حکم می‌کند که ترکیب واردات به گونه‌ای تنظیم شود تا اولاً، نیاز به کالاهای اساسی و استراتژیک تا حد امکان به خارج از کشور کاهش یابد و ثانیاً، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به گونه‌ای تنظیم گردد که منجر به افزایش تولیدات داخلی و کالاهای با ارزش افزوده بالا گردد.

با توجه به تأکیدات مکرر مقام رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص اهمیت توجه به مدیریت واردات که در بند «۶» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی^۱ نیز بدان اشاره شده، می‌توان تهدید فوق را به نوعی به فرصت تبدیل کرد. شایان ذکر است کشور از ظرفیت بالقوه لازم برای مدیریت واردات و حمایت هدفمند از تولید برخی محصولات که جزء اقلام عمده وارداتی کشور محسوب شده و مزیت نسبی یا مطلق در تولید آنها وجود دارد، برخوردار است. بنابراین با بررسی اقلام عمده کالاهای وارداتی و اتخاذ تدابیر لازم می‌توان گامی سریع و مؤثر در راستای کاهش وابستگی و افزایش رقابت‌پذیری در تولید جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای مدیریت واردات برداشت.

همچنین با توجه به برخی پیامدهای منفی روند کنونی واردات بر میزان تولید و اشتغال کشور، قطعاً حمایت منطقی و هدفمند از تولید داخلی و افزایش رشد اقتصادی و به تبع آن حفظ و گسترش فرصت‌های شغلی باید در صدر فهرست اهداف مدیریت واردات، قرار گیرد. با این حال، باید توجه داشت که حمایت از تولید و اشتغال داخلی در برابر واردات کالاهای خارجی، نمی‌تواند از طریق بستن مرزهای کشور و ممنوع کردن واردات و ایجاد شرایط انحصاری برای تولیدکنندگان داخلی فراهم شود، زیرا این

۱. بند «۶» سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»:

«افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید».



روند اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت، اثرات مثبت محدودی داشته باشد، اما در بلندمدت در صورت عدم حمایت مدت‌دار و هدفمند به تضعیف بیشتر تولید داخلی خواهد انجامید، چراکه تولیدکنندگان هیچ رقیبی برای محصولات تولیدی خود ندارند و به‌نوعی با این کار انحصار نسبتاً طبیعی برای تولیدات داخلی ایجاد خواهد شد.

علاوه بر این، آمار موجود ارائه شده از سوی گمرک حکایت از درجه بالای تمرکز واردات کشور و سهم بالای ۵۰ درصد کالاهای واسطه‌ای از کل واردات طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ دارد که پیش‌نیاز تولید نیز است. در نتیجه لزوم توجه به مدیریت واردات دوچندان می‌شود.

برای این منظور، در این مطالعه ۲۰۰ قلم عمده از میان ۴۹۲۰ قلم کالای وارداتی که حدود ۶۳ درصد از واردات رسمی سال ۱۳۹۹ را در برمی‌گیرد، از جهات مختلف مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است که ارائه تصویری از آمار فوق:

اولاً می‌تواند کمک مؤثری برای تصمیم‌گیران اقتصادی در راستای مدیریت بهینه واردات و شناخت نقاط قوت و ضعف تولید داخلی و میزان وابستگی به واردات باشد.

ثانیاً مدیریت واردات ۲۰۰ قلم عمده و نخست واردات، به‌معنای مدیریت حدود ۶۳ درصد از واردات کشور است. شایان ذکر است آمار موجود دریافتی از گمرک نشان می‌دهد اقلام عمده وارداتی طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ تقریباً مشابه یکدیگر بوده و تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت واردات می‌توان به محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای^۱، محدودیت‌های تعرفه‌ای^۲ و تعدیل نرخ ارز^۳ اشاره کرد که در این گزارش به محدودیت‌های تعرفه‌ای اشاره شده است.

در جدول ۷، ارزش و سهم واردات اقلام عمده وارداتی و سهم آنها از کل واردات و نسبت آنها به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری بدون احتساب نفت نشان داده شده که حائز نکات قابل توجهی است و در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱. محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای شامل ممنوعیت واردات، سهمیه‌بندی واردات، سهمیه‌بندی واردات و محدودیت‌های فنی و استانداردهای خاص در واردات می‌باشند. در واقع دولت می‌تواند در حیطه محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای، با وضع قوانینی، واردات یک کالا را ممنوع کند یا با ایجاد سهمیه‌بندی، واردات یک کالا را کنترل و محدود نماید و یا با وضع استانداردها و محدودیت‌های فنی خاص، واردات یک کالا را کنترل کند. دولت می‌تواند با افزایش محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای از میزان واردات بکاهد.

۲. محدودیت‌های تعرفه‌ای شامل تعرفه بر ارزش و تعرفه بر واحد کالاهای وارداتی است. اعمال تعرفه بر یک کالای وارداتی در واقع شبیه به سازوکارهای مالیاتی عمل می‌کند. افزایش تعرفه بر یک کالای وارداتی از طریق افزایش قیمت آن کالا در داخل، موجب کاهش واردات آن کالا می‌شود.

۳. افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی در مقابل سایر پول‌ها) به‌معنای گران شدن قیمت کالاهای خارجی در داخل و در مقابل، ارزان شدن کالاهای داخلی در خارج است. بنابراین افزایش نرخ ارز، از طریق افزایش قیمت کالاهای وارداتی، موجب کاهش واردات کالاها می‌گردد و در مقابل، کاهش نرخ ارز، واردات را افزایش می‌دهد. البته آنچه در مورد نرخ ارز مهم است، نرخ واقعی ارز است که باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

جدول ۷. ارزش و سهم واردات ۵، ۱۰، ۵۰، ۱۰۰، ۱۵۰ و ۲۰۰ قلم نخست واردات در سال ۱۳۹۹

| ردیف | موضوع | ارزش دلاری (میلیون دلار) | ارزش ریالی (میلیارد ریال)* | سهم از کل واردات (درصد) | نسبت اقلام عمده وارداتی به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری بدون نفت |
|------|--|-----------------------------|-------------------------------|-------------------------------|---|
| ۱ | مجموع ۵ قلم نخست | ۷,۳۷۰ | ۱,۶۹۳,۱۸۶,۶۰۰ | ۱۹ | ۴/۸ |
| ۲ | مجموع ۱۰ قلم نخست | ۹,۸۲۷ | ۲۲۴,۲۳۲۸,۲۰۰ | ۲۵/۳ | ۶/۴ |
| ۳ | مجموع ۵۰ قلم نخست | ۱۶,۶۱۷ | ۳,۷۹۸,۲۲۹,۴۰۰ | ۴۲/۷ | ۱۰/۸ |
| ۴ | مجموع ۱۰۰ قلم نخست | ۲۰,۳۵۹ | ۴,۶۶۷,۷۰۳,۶۰۰ | ۵۲/۳ | ۱۳/۳ |
| ۵ | مجموع ۱۵۰ قلم نخست | ۲۲,۸۰۷ | ۵,۲۱۶,۸۴۵,۲۰۰ | ۵۸/۶ | ۱۴/۹ |
| ۶ | مجموع ۲۰۰ قلم نخست | ۲۴,۶۶۶ | ۵,۶۵۱,۵۸۲,۳۰۰ | ۶۳/۴ | ۱۶/۱ |
| ۷ | مجموع کل واردات | ۳۸,۸۹۲ | ۸,۹۰۰,۶۷۰,۱۰۰ | ۱۰۰ | ۲۵/۴ |
| ۸ | تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های جاری بدون نفت (میلیارد ریال) | ۳۵۰,۸۴۷,۲۶ | - | - | - |

مأخذ: محاسبات محقق براساس آمار دریافتی از گمرک جمهوری اسلامی ایران به نشانی: <https://merchant.irica.ir>.

* نرخ تبدیل دلار به‌ازای هر دلار معادل ۲۲۸۸۰۹ ریال محاسبه شده است.

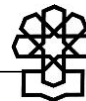
مطابق با ارقام جدول ۷، علی‌رغم بالا بودن سهم ۲۰۰ قلم عمده وارداتی از کل واردات (حدود ۶۳ درصد)، نسبت آن به تولید ناخالص داخلی حدود ۱۶ درصد می‌باشد؛ از طرفی نسبت کل واردات به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های جاری و بدون احتساب نفت نیز حدود ۲۵/۵ درصد بوده که رقم قابل توجهی است. به عبارتی حدود یک‌چهارم از ارزش تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری را واردات کشور تشکیل می‌دهد که نشان از وابستگی نسبتاً بالای تولید داخلی به واردات دارد.

یکی از سؤالات مهم مطروحه در این رابطه آن است که کدام‌یک از تولیدات ملی نیازمند حمایت در مقابل واردات است؟ برخی از محورهایی که در این خصوص باید مورد نظر قرار گیرند عبارتند از: ضرورت توجه به حلقه‌های پیشین و پسین تولید، ضرورت حمایت از مصرف‌کنندگان در کنار تولیدکنندگان و رابطه حمایت از تولید و قاچاق کالا.

جهت بررسی میزان حمایت از تولید داخل در مقابل واردات کالاهای خارجی در برخی از مطالعات، کالاهای وارداتی را براساس مؤلفه‌های ذیل طبقه‌بندی کرده‌اند. برخی از این مؤلفه‌ها و معیارها عبارتند از:

- نرخ تعرفه (نرخ حقوق ورودی)،

- طبقه‌بندی کالا برحسب نوع مصرف از حیث واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی (تاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۱).



الف) نرخ تعرفه (حقوق ورودی)^۱

تعرفه مهم‌ترین ابزار اتخاذ سیاست جایگزینی واردات (Import Substitution) به معنای جایگزین‌سازی محصولات داخلی به جای واردات است. هدف اصلی این سیاست توسعه ظرفیت تولیدی در بخش کالا و خدمات و کاهش واردات است که قصد دارد به افزایش اشتغال و کاهش کسری حساب جاری در تراز پرداخت‌ها بینجامد. با این حال کشورهایی که این سیاست را به صورت بلندمدت اتخاذ کرده‌اند به این اهداف به طور کامل دست نیافته‌اند، زیرا به کشورهایی تبدیل می‌شوند که مجبورند کالاهای سرمایه‌ای را وارد کنند (غلامی باغی، ۱۳۷۸: ۲).

تعرفه‌گذاری گمرکی منجر به تغییر در مزیت‌های نسبی تولیدکنندگان و یکی از عوامل برانگیزاننده برای واردات غیررسمی (فرار مالیاتی) نیز محسوب می‌شود، بدین ترتیب که هزینه واردات رسمی را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر اعمال نرخ تعرفه به عنوان یکی از ابزارهای دولت از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا می‌توان سیاست‌های حمایتی نظیر حمایت از تولیدات و اشتغال داخلی،^۲ سیاست‌های تنظیمی تجاری نظیر بهبود نرخ مبادله و مقابله با دامپینگ و سیاست‌های تأمین درآمدی نظیر کسب درآمدهای مالیاتی و موازنه تراز پرداخت‌ها را به کمک آن اعمال نمود (پیشین).

بر اساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران حداقل نرخ تعرفه دریافتی در ایران در سال ۱۳۹۹ معادل ۴ درصد و حداکثر نرخ نیز ۱۲۰ درصد بوده است. به عبارت دیگر حداکثر نرخ حقوق ورودی طی سال‌های فوق حدود ۳۰ برابر حداقل نرخ حقوق ورودی می‌باشد. ضمن اینکه محاسبات نشان می‌دهد متوسط نرخ حقوق ورودی اسمی در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۹/۰۲ درصد و متوسط نرخ حقوق ورودی واقعی ۱۳/۳۶ درصد بوده است. پایین بودن متوسط نرخ حقوق ورودی واقعی^۳ در سال ۱۳۹۹ از متوسط نرخ حقوق ورودی اسمی^۴ مندرج در جداول کتاب قانون مقررات صادرات و واردات، به موارد ذیل مربوط می‌شود:

۱. ترکیب واردات و سهم بالای ارزش کالاهای مشمول نرخ تعرفه پایین همچون کالاهای اساسی، واسطه‌ای و... از کل ارزش کالاهای وارداتی،

۱. بر اساس تعاریف بین‌المللی (سیف‌الله صادقی یارنندی و مسعود طارم‌سری، ۱۳۸۵) تعرفه (Tariffe) شامل حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای یک کشور بر کالاهای وارداتی از کشورهای دیگر است. بر این اساس تعرفه معمولاً درصدی از ارزش کالا، مبلغی معین به ازای هر واحد کالا یا تلفیقی از این دو یا هر کدام که بیشتر باشد اخذ می‌شود. نرخ تعرفه حقوق ورودی (مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) برای کلیه کالاهای وارداتی، همه‌ساله از سوی کمیسیون ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات تعیین و به گمرک جمهوری اسلامی ایران، جهت اجرا ابلاغ می‌شود. ساختار کلی نرخ‌های تعرفه در نظام تجاری ایران در جداول پیوست قانون مقررات صادرات و واردات به صورت سالانه منتشر می‌شود.

۲. در تعیین نرخ‌های حقوق ورودی اهداف زیر مدنظر قرار می‌گیرند که عبارتند از: حمایت از تولید داخلی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های تولید داخلی، ایجاد انگیزه برای صاحبان کسب‌وکار و اشتغال، جایگزین کردن تولید داخلی به جای واردات، کسب درآمد از برقراری حقوق ورودی، تغییر در الگوی مصرف جامعه و مردم، حمایت از افشار آسیب‌پذیر جامعه، جلوگیری از افزایش تورم، مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مبارزه با دامپینگ، تنظیم بازار داخلی، تأمین منابع مالی دولت، مقابله با شرایط تحریم، بحران، خشکسالی و...
۳. نرخ حقوق ورودی واقعی از حاصل تقسیم میزان حقوق ورودی ریالی دریافت شده بر ارزش ریالی کالاهای وارداتی به دست می‌آید.
۴. متوسط نرخ حقوق ورودی اسمی که از میانگین ساده نرخ‌های مربوط به تمامی کالاهای مندرج در طبقه‌بندی نظام هماهنگ شده توصیف‌کننده کالاهای (HS) که در ضمیمه کتاب قانون مقررات صادرات و واردات درج شده است، حاصل می‌شود.

۲. اعطای معافیت حقوق ورودی به برخی کالاها و مناطق بندری و یا برخی اشخاص مانند مرزنشینان، ملوانان، ته‌لنجی و...

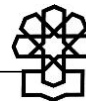
۳. سهم بالای واردات کالاها با تعرفه پایین، عموماً شامل کالاهای اساسی و استراتژیک و یا برخی از کالاها شامل وارداتی، که به سرزمین اصلی و یا مناطق آزاد تجاری - صنعتی وارد شده و از معافیت‌های قانونی این مناطق بهره برده‌اند.

به‌لحاظ نظری، استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای نیز نمی‌تواند به‌عنوان ابزار اصلی در مدیریت مطلوب واردات موفقیت‌آمیز باشد. زیرا نه‌تنها اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در کنترل واردات به‌صورت گسترده، چندان مؤثر واقع نمی‌شود، بلکه موجب گسترش زمینه‌های رانت‌جویی، فساد اقتصادی، ایجاد شرایط انحصاری، گسترش بی‌عدالتی، ناکارایی اقتصادی و درنهایت، گسترش واردات قاچاق در کشور می‌گردد. تجربه تاریخی اقتصاد کشور نیز عدم کارایی اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای را در دستیابی به اهداف تعیین‌شده تأیید می‌کند. براساس همین تجربه ناموفق بود که در مواد مختلف قانونی از جمله بند «د» ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه^۱ و ماده (۲۲) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰،^۲ اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در کنترل واردات ممنوع شد. در عموم کشورهای جهان نیز از میان محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای، تنها محدودیت‌های فنی و استاندارد در تجارت خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و ممنوعیت و سهمیه‌بندی واردات عملاً منسوخ شده است (زمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۵).

ب) واردات براساس نوع مصرف

تفکیک واردات برحسب نوع مصرف از جهات مختلفی دارای اهمیت است.^۳ میزان وابستگی بخش مصرف جامعه به تأمین نیازهای خود از محل واردات، وابستگی بخش تولید کشور به تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولیدی از کشورهای خارجی، توجه به بخش تولید با افزایش سهم کالاهای وارداتی مورد نیاز تولیدکنندگان و امکان مدیریت و تخصیص بهینه و هدفمند ارز در مواقع تحریم و کمبود منابع ارزی از دلایل توجه به این تقسیم‌بندی است.

۱. ماده (۳۳) - بند «د» - برقراری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می‌باشد.
 ۲. ماده (۲۲) - برقراری موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی برای واردات بجز در مواردی که رعایت موازین شرع اقتضا می‌کند، ممنوع است.
 ۳. اقلام وارداتی از نظر نوع مصرف به سه دسته کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی تقسیم می‌شوند:
 ۱. کالاهای سرمایه‌ای (Capital Goods): کالاهایی بادوام که مستقیماً برای تولید کالاها یا خدمات به‌کار گرفته می‌شود و ایجاد ارزش افزوده می‌کند. (مانند دارایی‌های ثابتی از جمله دستگاه‌ها و ماشین‌آلات خط تولید)
 ۲. کالاهای واسطه‌ای (Intermediate Goods): کالاهایی که توسط تولیدکننده برای استفاده در تولید سایر کالاها و خدمات، تغییر شکل می‌یابد یا مصرف می‌شود. (منصور مدرس‌سی، ۱۳۸۵).
 این کالاها در فرایند تولید به‌صورت کالایی جدید درمی‌آید (مانند مواد اولیه و نهاده‌های کالایی تولیدی).
 ۳. کالاهای مصرفی (Consuming Goods): کالاهای بادوام و یا بی‌دوامی که به‌طور مستقیم نیازهای مصرفی جامعه را برطرف می‌کند و هدف استفاده از آنها ایجاد ارزش افزوده نیست.
 البته از حیث درصد استفاده از هر یک از کالاهای وارداتی علاوه بر تقسیم‌بندی فوق، می‌توان کالاها را به‌صورت ترکیبی از کالاهای سرمایه‌ای - واسطه‌ای، واسطه‌ای - مصرفی و مصرفی - سرمایه‌ای تقسیم‌بندی نمود که بسته به میزان استفاده از هر یک از کالاها می‌توانند در طبقه‌بندی ۶ گانه فوق قرار گیرند. به‌عنوان مثال گوشت قرمز اگر به مصرف نهایی خانوار برسد جزء کالاهای مصرفی محسوب می‌شود و اگر در تولید سایر کالاها استفاده گردد جزء کالاهای واسطه‌ای است. شایان ذکر است از سال ۱۳۹۵ تقسیم‌بندی فوق تغییر نموده و تنها در قالب کالاهای واسطه‌ای یا سرمایه‌ای و یا مصرفی جای گرفته‌اند.



علاوه بر این نتایج تعدادی از مطالعات نشان می‌دهد، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای نقش مهمی در فرایند تولید ملی دارند. گویسان^۱ (۲۰۰۵) نشان داده است، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کشورهای مورد مطالعه اثر مثبت و معناداری روی رشد صنعتی و اثر مثبت غیرمستقیمی روی رشد غیرصنعتی داشته است.

همچنین در مطالعه‌ای که توسط عزیزنژاد و همکاران (۱۳۹۰)، انجام شده به بررسی اهمیت کالاهای واسطه‌ای به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در رشد اقتصاد جهانی پرداخته شده است. نکته حائز اهمیت در مورد اقتصاد ایران این است که علی‌رغم اینکه با افزایش درآمد ناشی از افزایش قیمت نفت، زمینه لازم برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مهیا می‌شود که در صورت هدایت صحیح این منابع، زیرساخت‌های مورد نیاز بخش صنعت تقویت و منجر به رشد این بخش خواهد شد، اما نباید از این نکته غافل ماند که لازم است در جهت متنوع‌سازی محصولات صادراتی، اقدامات مقتضی توسط دستگاه‌های متولی نیز صورت پذیرد تا کشور از وابستگی شدید و تک‌بعدی به درآمدهای صادراتی نفت رها شود و با نوسانات قیمتی این متغیر در سطح جهانی، به دلیل وابستگی واردات کالاهای واسطه‌ای و به تبع آن وابستگی تولید به درآمدهای نفتی، اقتصاد کشور دچار تلاطم و بحران نشود (سپانلو، قنبری، ۱۳۸۹: ۲۲).

در ادامه جهت بررسی دقیق‌تر به آمار تفکیکی واردات برحسب نوع مصرف طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ اشاره شده است. مطابق جدول ۸، سهم واردات کالاهای واسطه‌ای در کل واردات همواره بیشترین سهم از واردات کل بوده است؛ به طوری که طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ میانگین سهم سالیانه کالاهای واسطه‌ای از کل واردات حدود ۶۹ درصد بوده و سهم آن طی سال‌های مورد بررسی تقریباً در سطح ۷۱ درصد ثابت مانده است. بیشترین سهم کالاهای واسطه‌ای از کل واردات مربوط به سال ۱۳۹۱ و حدود ۷۴ درصد بوده است.

شایان ذکر است هرچند در نگاه اول، واردات کالاهای واسطه‌ای می‌تواند با تأمین مواد اولیه مورد نیاز بخش تولید، برخی از صنایع را در داخل کشور رقابتی‌تر کند، با این حال به اعتقاد برخی از کارشناسان، افزایش فزاینده سهم کالاهای واسطه‌ای می‌تواند نشان‌دهنده میزان وابستگی صنایع داخلی به تأمین مواد اولیه از خارج کشور باشد و فرایند تولید برخی از کالاهای واسطه‌ای مانند قطعه‌سازان را نیز با مشکلاتی مواجه سازد؛ در مجموع، میزان وابستگی تولیدات کشور به کالاهای واسطه‌ای بالاست و لازم است در بلندمدت به شرط وجود منابع موجود، سیاست‌هایی جهت حمایت از تولید این قبیل کالاها در داخل کشور در دستور کار و اولویت استراتژی صنعتی کشور قرار گرفته و تدابیر لازم جهت کمترین آسیب‌پذیری از ناحیه واردات این دسته از کالاها اتخاذ گردد.

در برخی مطالعات از جمله مطالعه‌ای که توسط سبحانی (۱۳۹۶) صورت گرفته، نشان داده شده است که دانه‌های روغنی و نباتات صنعتی، کائوچوی طبیعی، فلزات اساسی، مواد پلاستیک مصنوعی و سوخت‌های معدنی

به ترتیب جزء مهم‌ترین و ضربه‌پذیرترین گروه کالایی واسطه‌ای وارداتی بوده و بالطبع تولیداتی که محصولات مذکور، مواد اولیه آنها به‌شمار می‌روند نیز این آسیب‌پذیری را خواهند داشت (شعبانی، سبحانی، ۱۳۹۶: ۲۸).

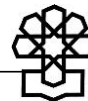
از سوی دیگر طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰، میانگین سهم سالیانه واردات کالاهای مصرفی از کل واردات حدود ۱۳/۵ درصد بوده است که از کمتر از ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به بیشتر از ۱۳ درصد در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. بیشترین سهم کالاهای مصرفی از کل واردات مربوط به سال ۱۳۹۶ و حدود ۱۸/۵ درصد بوده است. بررسی ترکیب واردات کالاهای مصرفی بیانگر سهم بالای کالاهای اساسی بوده و نشان‌دهنده پایین بودن امنیت غذایی کشور به دلیل وابستگی به تأمین کالاهای اساسی کشاورزی به واردات است.^۱

میانگین سهم سالیانه واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز از کل واردات طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰، حدود ۱۶ درصد بوده است که از حدود ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. بیشترین سهم کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات مربوط به سال ۱۳۹۴ و حدود ۱۸ درصد بوده است. به‌طور کلی با بررسی آمارهای مربوط به روند واردات کالا به تفکیک نوع مصرف کالاها و سهم واردات هر گروه از کالاها از کل واردات، مشخص است که طی دوره (۱۳۹۹-۱۳۹۰) سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای (میانگین سالیانه ۱۶ درصدی) همواره بیش از سهم واردات کالاهای مصرفی بوده است (میانگین سهم ۱۳/۵ درصدی، به‌استثنای سال ۱۳۹۶ که سهم کالای مصرفی بیش از کالای سرمایه‌ای بوده است). علاوه بر این واردات کالاهای واسطه‌ای همواره سهم و میزان بیشتری نسبت به واردات کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای را به‌خود اختصاص داده است. در مجموع طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ به‌طور میانگین، سالیانه حدود ۸۵ درصد از واردات کشور را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل داده است.

روند کاهشی واردات کالاهای سرمایه‌ای و روند نسبی افزایشی واردات کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰، می‌تواند زنگ خطری برای کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید باشد که یکی از دلایل آن تثبیت نرخ ارز اسمی بدون هدف مشخص و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور طی سال‌های مورد بررسی بوده است. البته نمی‌توان از تشدید فشار تحریم‌ها و سیاست‌های مخل تولید غافل شد. توضیح بیشتر اینکه برای اثبات این ادعا می‌توان به آمار سرمایه‌گذاری خارجی استناد کرد که رقم آن از حدود ۴/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به رقم یک میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.^۲ به عبارتی دیگر در شرایط تثبیت نرخ ارز اسمی، اولاً انتظار می‌رود خالص خروج سرمایه منفی باشد که در بخش‌های قبلی نشان داده

۱. بررسی‌ها حاکی از آن است که ۱۰ قلم عمده کالاهای وارداتی مصرفی شامل: ذرت دامی، برنج، کنجاله، سویا، گندم، دانه‌های روغنی، جو، شکر خام، لوبیا و... می‌باشد که با توجه به سهم متغیر آنها طی سال‌های مختلف، از ارائه ارقام آن خودداری شده است.

۲. بانک اطلاعاتی سری زمانی اقتصادی بانک مرکزی به نشانی:



شد و ثانیاً انگیزه‌های سرمایه‌گذاری به دلیل تقویت بخش‌های رانتی و دلالی، از بین می‌رود.^۱

تحلیل دو بخش فعلی و قبلی چنین است که اولاً سهم واردات از کل تولید داخلی سهم نسبتاً بالایی است (حدود ۲۵/۵ درصد)^۲ و ثانیاً عمده واردات مصرفی حدود ۱۳/۵ درصدی کالاهای مصرفی نیز شامل کالاهای اساسی و استراتژیک است که باید برای تولید آنها نیز چاره‌اندیشی کرد. زیرا تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی (جهش‌های ارزی) عمدتاً این دو حوزه را هدف گرفته‌اند و با تدبیر و سیاستگذاری مناسب در حوزه تولید، پولی (ارز) و تجاری می‌توان ابزارهای تحریمی را از دست طرف تحریم‌کننده خارج نمود. با توجه به مطالب فوق، می‌توان ادعا نمود که شرط مارشال - لرنر برای ایران صادق نیست و در شرایط کنونی (کوتاه‌مدت) افزایش و جهش نرخ ارز به زیان اقتصاد ایران بوده و باید حفظ ثبات قیمت‌ها و ثبات اقتصادی در اولویت اصلی کشور باشد.

در میان مدت فعال‌سازی جدی و هوشمند دیپلماسی تجاری و تنوع‌بخشی به محصولات و شرکای تجاری در واردات و همچنین سیاستگذاری جهت حمایت از تولید این کالاها در داخل کشور باید در اولویت قرار گیرد. از سوی دیگر ورود کالاهای سرمایه‌ای به شرط وجود ظرفیت‌های لازم، با توجه به انتقال دانش فنی به داخل کشور و امکان بومی‌شدن آن توسط صنایع داخلی، می‌تواند به‌عنوان اولویت وارداتی کشور مورد نظر قرار گیرد.

۱. دلیل بررسی هم‌زمان طبقه‌بندی‌های کالایی، این بوده است که میزان ارز تخصیص داده شده محدود است و اگر به یکی کمتر تخصیص داده شود بدان معناست که به دیگری بیشتر تخصیص داده شده است. به عبارت دیگر جامعه به سمت مصرف‌گرایی رفته تا افزایش تولید.

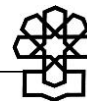
۲. براساس آمارهای تجارت خارجی متخذه از وبگاه (<https://data.worldbank.org/indicator/NE.IMP.GNFS.ZS>) سهم واردات از کل تولیدات داخل در سایر کشورهای جهان طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است.

(میلیارد دلار/درصد)

جدول ۸. روند ارزش واردات کالاها به تفکیک نوع مصرف طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹

| سال | ۱۳۹۰ | سهم | ۱۳۹۱ | سهم | ۱۳۹۲ | سهم | ۱۳۹۳ | سهم | ۱۳۹۴ | سهم | ۱۳۹۵ | سهم | ۱۳۹۶ | سهم | ۱۳۹۷ | سهم | ۱۳۹۸ | سهم | ۱۳۹۹ | سهم | میانگین سهم سالیانه |
|----------------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|-------|------|------|---------------------|
| واسطه‌ای | ۴۴ | ۷۰/۹۷ | ۴۰ | ۷۴/۰۷ | ۳۶ | ۷۳/۴۷ | ۳۵ | ۶۸/۶۳ | ۲۷ | ۶۹/۲۳ | ۲۶ | ۶۵/۰۰ | ۳۲ | ۵۹/۲۶ | ۲۷ | ۶۲/۷۹ | ۳۱ | ۷۳/۶۳ | ۲۷/۱ | ۷۱/۴ | ۶۸/۷ |
| سرمایه‌ای | ۱۰ | ۱۶/۱۳ | ۸ | ۱۴/۸۱ | ۷ | ۱۴/۲۹ | ۹ | ۱۷/۶۵ | ۷ | ۱۷/۹۵ | ۸ | ۲۰/۰۰ | ۸ | ۱۴/۸۱ | ۷ | ۱۶/۲۸ | ۶ | ۱۴/۲۵ | ۵/۶ | ۱۴/۶ | ۱۶ |
| مصرفی | ۸ | ۱۲/۹۰ | ۶ | ۱۱/۱۱ | ۶ | ۱۲/۲۴ | ۷ | ۱۳/۷۳ | ۵ | ۱۲/۸۲ | ۶ | ۱۵/۰۰ | ۱۰ | ۱۸/۵۲ | ۷ | ۱۶/۲۸ | ۵ | ۱۱/۸۸ | ۵/۱ | ۱۳/۳ | ۱۳/۵ |
| طبقه‌بندی نشده | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | - | ۲ | ۴/۶۵ | ۰/۱ | ۰/۲۴ | ۰/۳ | ۰/۷ | ۱/۸ |
| مجموع | ۶۲ | ۱۰۰ | ۵۴ | ۱۰۰ | ۴۹ | ۱۰۰ | ۵۱ | ۱۰۰ | ۳۹ | ۱۰۰ | ۴۰ | ۱۰۰ | ۵۴ | ۱۰۰ | ۴۳ | ۱۰۰ | ۴۲/۱ | ۱۰۰ | ۳۸/۱ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

مأخذ: بانک اطلاعاتی سری زمانی بانک مرکزی به نشانی: <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>



مطابق با آمارهای جدول ۸، سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در مجموع بالغ بر ۸۵ درصد از واردات کل کشور می‌باشد. از سوی دیگر تولیدات کشور به شدت به نرخ ارز وابسته بوده و در صورت بروز هرگونه شوک به اقتصاد ایران، باعث بروز اختلال در روند تولید و افزایش فشار هزینه‌های تورمی خواهد شد.

همچنین مطابق با ارقام جدول ۹، نگاهی به ارزش واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای، مصرفی و سایر کالاهای طبقه‌بندی نشده نسبت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های جاری بدون احتساب نفت نشان می‌دهد بیشترین نسبت مربوط به کالاهای واسطه‌ای و کمترین آن مربوط به کالاهای طبقه‌بندی نشده است.

نکته بسیار مهمی که وجود دارد همخوانی سیاست‌های حمایت داخلی با سیاست‌های بازرگانی و تجاری کشور است. در این راستا سیاستگذار می‌تواند با استفاده از موانع غیر تعرفه‌ای و با توجه به شرایط خاص در برخی از صنایع و کالاها، براساس نوع مصرف (واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی) سیاست‌های مناسب تجاری را تدوین نمایند (رضایی، ۱۳۹۳: ۳۴-۲۵).

جدول ۹. نسبت ارزش واردات کالاها به تفکیک نوع مصرف به تولید ناخالص داخلی

(میلیارد ریال/درصد)

به قیمت‌های جاری بدون نفت ۲۱۳۹۹

| ردیف | نوع واردات | ارزش واردات | نسبت اقلام عمده وارداتی به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری بدون نفت |
|------|--|-------------|---|
| ۱ | واسطه‌ای | ۶,۲۰۰,۷۲۴ | ۱۷/۷ |
| ۲ | سرمایه‌ای | ۱,۲۸۱,۳۳۰ | ۳/۷ |
| ۳ | مصرفی | ۱,۱۶۶,۹۲۶ | ۳/۳ |
| ۴ | طبقه‌بندی نشده | ۶۸,۶۴۲,۷ | ۰/۲ |
| ۵ | مجموع | ۸,۷۱۷,۶۲۳ | ۲۵ |
| ۶ | هزینه ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های جاری بدون نفت | ۳۵,۰۸۴,۷۲۶ | - |

مأخذ: محاسبات محقق براساس آمار دریافتی از وبگاه سازمان توسعه تجارت.

در مجموع می‌توان ادعا نمود وابستگی تولید داخلی به واردات کالاها نسبتاً بالاست و باید استراتژی توسعه صنعتی و تجاری کشور را با رویکرد درونزای برون‌گرا طراحی و پیاده‌سازی نمود. واقعیت آمار فوق نشان می‌دهد واردات کشور (مصارف ارزی) حتی در شرایط تحریمی نیز بیشتر نیاز به مدیریت و سیاستگذاری منطقی و بهینه دارد و نیاز چندانی به ممنوعیت وجود ندارد. به عبارتی چنانچه رانت‌ها و مفاسد اداری مترتب بر تجارت خارجی شناسایی و برطرف شود و اولویت‌های صنعتی (تولیدی) کشور نیز مشخص باشند، می‌توان

۱. بررسی اجمالی سیاست‌های دولت و قوانین مجلس در حوزه مدیریت واردات طی سال‌های اخیر گویای آن است که سیاست‌های منتهی به بیشتر معطوف به کنترل واردات رسمی کالاهای مصرفی از طریق وضع تعرفه‌های بالا و یا ایجاد محدودیت برای این دسته از کالاهای وارداتی بوده که بعضاً منجر به واردات غیررسمی و قاچاق برخی از کالاهای مصرفی لوکس شده است. همچنین حمایت از تولیدکنندگان کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه از جمله تولیدکنندگان قطعات و پیش‌نیازهای تولید بسیار کم‌رنگ بوده که منجر به بروز مشکلاتی برای برخی از تولیدکنندگان کالاهای واسطه‌ای در کشور شده است. (گروه نویسندگان، کتاب اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۴)

۲. شایان ذکر است با توجه به عدم وجود اطلاعات ارزش کالاهای وارداتی به تفکیک نوع مصرف براساس ریال و اعلام ارزش براساس دلار توسط مراجع رسمی، نرخ تسعیر برای تبدیل دلار به ریال رقم ۴۲۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

واردات را در راستای تحقق بندهای «۶» و «۷» سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به نحو مطلوبی مدیریت نمود. ارائه راهبرد هوشمندانه جهت مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر ضربات ناشی از کاهش درآمدهای نفتی و به تبع آن کاهش واردات نیز در میان مدت در دو حوزه امکان‌پذیر است:

الف) حوزه اول، سیاست‌های تولیدی است که برای جایگزینی کالاهای وارداتی با تولید داخل و تشویق تولیدکنندگان داخلی صورت می‌پذیرد.

ب) حوزه دوم، سیاست‌های دانشی است که برای کالاهایی ارائه می‌گردد که علی‌رغم وجود انگیزه برای تولید آنها، دانش و فناوری موجود در کشور پاسخگوی آنها نیست. فلذا باید مطالعات علمی و فنی در این زمینه انجام گیرد تا دانش و فناوری مرتبط، بهبود و ارتقا یابد. (شعبانی، سبحانی، ۱۳۹۶: ۲۵)

ج) سهم مالیات بر واردات از مالیات‌های غیرمستقیم

منظور از مالیات بر واردات در بودجه‌های سنواتی، کل حقوق ورودی ریالی دریافت شده از کالاهای وارداتی است که معمولاً شامل حقوق ورودی اخذ شده از خودروی سواری و سایر کالاهای همچنین حقوق ورودی دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن است. سهم مالیات بر واردات از مالیات‌های غیرمستقیم (مجموع مالیات بر کالا و خدمات و مالیات بر واردات) در قوانین مصوب بودجه سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۳۰، ۳۷، ۳۲ و ۲۱ درصد بوده که این خود بیانگر نقش مهم مالیات بر واردات در مالیات‌های غیرمستقیم است. نکته حائز اهمیت آن است که علت تغییرات سهم مالیات بر واردات از کل مالیات‌های غیرمستقیم می‌تواند ناشی از کاهش ارزش واردات و افزایش کالاهای اساسی و واسطه‌ای که دارای نرخ حقوق ورودی پایین‌تری نسبت به سایر کالاهای غیرضروری می‌باشند، باشد. علاوه بر این ممنوعیت واردات برخی از کالاهای لوکس (گروه ۴) می‌باشد. توضیح اینکه از ابتدای سال ۱۳۹۷ تاکنون دولت طی چهار مرحله اقدام به ممنوعیت واردات نموده است. در ادامه سیاست‌های ممنوعیت واردات^۱ ۱۳۳۹ ردیف تعرفه در سال ۱۳۹۷ پس از گذشت دو ماه از ابتدای سال ۱۳۹۹، دولت مجبور به اتخاذ شیوه‌های جدید و تغییر در رویکرد خود برای تأمین ارز واردکنندگان، تولیدکنندگان و سایر متقاضیان ارزی و اعلام ممنوعیت ثبت سفارش برخی از کدهای تعرفه نمود که با احتساب ممنوعیت‌های سال‌های ۱۳۹۷ تاکنون واردات حدود ۲۵۰۰ قلم کالا مشمول این ممنوعیت می‌باشند که عمدتاً شامل برخی کالاهای لوکس از قبیل خودرو، برخی خوراکی‌ها مانند شیرخشک و...، برخی لوازم خانگی و بهداشتی، لوازم اداری و درسی، پوشاک، ابزارها و نقلیه‌ها می‌باشند. شایان ذکر است به دنبال اتخاذ این سیاست، مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با هدف «تمدید ممنوعیت ورود کالاهای غیرضرور» و همچنین «عدم ورود اقلامی که زمینه تولیدشان در داخل وجود دارد» تا

۱. براساس ابلاغیه وزیر صنعت، معدن و تجارت به سازمان توسعه تجارت، با شماره ۶۰/۸۲۵۶۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ ثبت سفارش و واردات ۱۳۳۹ ردیف تعرفه‌ای کالا ممنوع شده است.



پایان سال ۱۳۹۹ در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفت. آنچه مسلم است در شرایط کمبود ارز مورد نیاز برای واردات، عرضه کالاهای اساسی، مواد اولیه و ماشین‌آلات و سایر کالاهای مورد نیاز جامعه که به واردات وابستگی دارند، با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین اولویت‌بندی کالاهای وارداتی جهت تخصیص ارز و تسهیل فرایند واردات جهت تأمین نیازهای اساسی مردم از طرق مختلف ضروری است. با توجه به ورود کالاهای اساسی با ارز یارانه‌ای و ضرورت توزیع عادلانه مایحتاج عمومی برای اقشار مختلف به خصوص اقشار آسیب‌پذیر لازم است تدابیر هوشمندانه، الکترونیک و مناسبی برای توزیع این کالاها پیش‌بینی شود.

نحوه تأمین و تخصیص ارز مورد نیاز برای واردات مطابق با سیر تغییرات اولویت‌بندی کالایی تاکنون بارها تغییر یافته است. تغییرات انجام گرفته بدین نحو بوده که از سال ۱۳۹۷ تأمین و تخصیص ارز مورد نیاز برای واردات براساس اولویت‌بندی چهارگانه^۱ بود که اولین گروه‌بندی تعرفه‌ها در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱۳ صورت گرفت و در تاریخ‌های ۱۳۹۷/۳/۳۰ و ۱۳۹۷/۴/۲۰ به بانک مرکزی منعکس شد. پس از آن طی چندین مرحله گروه‌های فوق تغییر نموده که آخرین تغییر صورت گرفته در سال ۱۳۹۸، انتقال گروه ۳ به گروه ۲ و حذف گروه ۳ و تقسیم گروه ۲ به ۷ زیربخش ۱-۲ تا ۷-۲ می‌باشد.^۲ شایان ذکر است براساس تقسیم‌بندی فوق در حال حاضر به کالاهای مشمول گروه ۲ ارز ۴۲,۰۰۰ ریالی تعلق نمی‌گیرد و واردکنندگان لازم است از طریق سامانه نیما و یا ارز متقاضی و یا ارز حاصل از صادرات ارز مورد نیاز خود را جهت انجام واردات تأمین نمایند. اگرچه اولویت‌بندی چهارگانه فوق در شرایط فعلی لازم است، اما به نظر می‌رسد برخی نکات از جمله الزام به عرضه ارز توسط صادرکنندگان به نرخ که دولت تعیین می‌کند جای تأمل دارد، چراکه این حکم از ضمانت اجرای لازم برخوردار نیست. همچنین علی‌رغم تغییرات صورت گرفته درخصوص

۱. اولویت یکم - کالاهایی که در این دسته قرار می‌گیرند عمدتاً شامل کالاهای اساسی و دارو و همچنین اقلام مورد نیاز بخش تولیدی کشور قرار گرفته و برای این گروه از محل منابع ارزی بانک مرکزی تخصیص و تأمین ارز صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر کالاهای این دسته جزء ضروریات و مایحتاج زندگی احاد افراد جامعه بوده و دولت تعهد داده است که در هر حالت ممکن، ارز مورد نیاز برای این دسته از کالاها را به واردکنندگان این دسته از کالاها تخصیص دهد. شایان ذکر است محل تأمین ارز این اولویت از ناحیه ارز حاصل از صادرات نفت، محصولات پتروشیمی و فولادی خواهد بود (کالاهای اساسی و استراتژیک با نرخ ۴۲,۰۰۰ ریال).

اولویت دوم - سایر اقلام مورد نیاز بخش صنعت در این گروه قرار گرفته که برای واردات این گروه از محل ۸۰ درصد ارز حاصل از صادرات غیرنفتی شامل صادرات بخش پتروشیمی، فولاد و فلزات آهنی و فلزات رنگین و صادرات عمده که به سامانه نیما معرفی می‌گردند ارز مورد نیاز تأمین می‌شود. کالاهایی که در این دسته قرار می‌گیرند نسبت به اولویت اول از درجه اهمیت کمتری برخوردارند و به نوعی در تولید استفاده می‌شوند. همان‌گونه که اشاره شد محل تأمین ارز این اولویت نیز همانند اولویت یکم از ناحیه ارز حاصل از صادرات نفت، محصولات پتروشیمی و یا محصولات فولادی خواهد بود (کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با نرخ ۴۲,۰۰۰ ریال).

اولویت سوم - کالاهایی که در این دسته قرار می‌گیرند عمدتاً شامل محصولات ساخته شده و نهایی می‌باشد و ارز لازم برای واردات این گروه از محل ۲۰ درصد مابقی ارز حاصل از صادرات غیرنفتی سایر بخش‌ها به غیر از موارد معرفی شده به سامانه نیما تأمین می‌شود.

اولویت چهارم - این گروه عمدتاً شامل محصولات نهایی و مصرفی لوکس و غیرضروری می‌باشد که به اعتقاد دولت در شرایط فعلی تخصیص ارز به این کالاها ضرورتی ندارد و ثبت سفارش آنها نیز در سال ۱۳۹۷ ممنوع شد (ممنوعیت واردات ۱۳۳۹ ردیف تعرفه‌ای).

۲. هفت زیر بخش گروه ۲ عبارتند از:

۲-۱. گوشت و حبوبات
۲-۲. مواد اولیه
۲-۳. کالاهای واسطه‌ای جهت تولید
۲-۴. کالاهای نیمه‌ساخته با ساخت داخل بیش از ۴۰ درصد
۲-۵. ماشین‌آلات
۲-۶. کالاهای نیمه‌ساخته با ساخت داخل کمتر از ۴۰ درصد
۲-۷. کالاهای مصرفی غیراولویت‌دار

تشخیص اینکه کدام کالا در کدام گروه اولویت قرار می‌گیرد نیز همچنان انتقاداتی مطرح است. بنابراین لازم است فهرست کالاهای مربوط به هر گروه به صورت مستمر مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد.

جدول ۱۰. مقایسه رقم مصوب و عملکرد ردیف عمومی مالیات بر واردات

(میلیارد ریال)

در قوانین بودجه ۱۳۹۹-۱۳۹۰

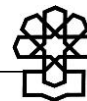
| سال عنوان | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵ | ۱۳۹۶ | ۱۳۹۷ | ۱۳۹۸ | ۱۳۹۹ | میانگین رشد سالیانه -۱۳۹۰ ۱۳۹۹ |
|--|--------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|--|
| مصوب | ۹۷,۹۳۱ | ۱۱۳,۳۵۹ | ۱۰۱,۶۲۴ | ۱۰۹,۰۷۴ | ۱۳۷,۳۰۰ | ۱۶۹,۳۰۰ | ۱۷۳,۸۲۵ | ۲۹۲,۱۰۰ | ۳۲۵,۱۵۰ | ۳۴۷,۶۰۰ | - |
| عملکرد | ۷۸,۹۳۰ | ۷۶,۴۰۳ | ۸۰,۳۹۸ | ۱۳۳,۴۲۶ | ۱۱۵,۵۴۲ | ۱۸۲,۹۳۹ | ۲۲۶,۷۱۵ | ۱۸۷,۳۷۳ | ۲۰۳,۱۲۲ | ۱۷۹,۷۳۷ | - |
| نرخ رشد مصوب | -۳/۹۹ | ۱۵/۷۵ | -۱۰/۳۵ | ۷/۳۳ | ۲۵/۸۸ | ۲۳/۳۱ | ۲/۶۷ | ۶۸/۰۴ | ۱۱/۳۳ | -۲۳/۸۵ | - |
| نرخ رشد عملکرد | ۱/۳۴ | -۳/۲۰ | ۵/۲۳ | ۶۵/۹۵ | -۱۳/۴۰ | ۵۸/۳۳ | ۲۳/۹۳ | -۱۷/۳۵ | ۸/۴۰ | -۱۱/۵۱ | - |
| درصد تحقق (نسبت عملکرد به مصوب) | ۸۰/۶۰ | ۶۷/۴۰ | ۷۹/۱۱ | ۱۲۲/۳ | ۸۴/۱۵ | ۱۰۸/۰۵ | ۱۳۰/۴ | ۶۴/۱۵ | ۶۲/۴۷ | ۷۲/۵۹ | ۸۴/۳ |
| سهم مالیات بر واردات از کل مالیات‌های غیرمستقیم | ۵۷ | ۵۲ | ۳۷ | ۳۸ | ۳۲ | ۳۵ | ۳۰ | ۳۷ | ۳۲ | ۲۱ | ۳۵/۸ |

مأخذ: محاسبات تحقیق و گزارش‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی، عملکرد مالی دولت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹. نکته: رقم مصوب مالیات بر واردات درج شده در این جدول تنها شامل درآمد عمومی است و درآمدهای اختصاصی نظیر یک درصد عوارض بر واردات هلال‌احمر را شامل نمی‌شود.

مطابق با جدول ۱۰، میانگین درصد سالیانه تحقق مالیات بر واردات طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹ حدود ۸۴ درصد و میانگین سهم سالیانه واردات از مالیات‌های غیرمستقیم طی دوره مزبور حدود ۳۶ درصد بوده است. این روند **اولاً** بیانگر عدم تحقق درآمدهای عمومی پیش‌بینی شده دولت براساس قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۹ و اصرار دولت‌ها بر ادامه این رویه غلط بوده و **ثانیاً** سهم پایین مالیات بر واردات را در مجموع مالیات‌های غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد.

رقم مالیات بر واردات در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال ۱۳۹۸ حدود ۱۱/۵ درصد رشد منفی داشته است که این امر ناشی از کاهش ارزش واردات در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ (حدود ۱۱/۷-) و محدودیت منابع ارزی بوده است.

در مجموع درصد تحقق و رشد مالیات بر واردات نسبت به رقم مصوب طی سال‌های مورد بررسی،



بیان می‌کند که باید سیاستگذار در تصویب قوانین بودجه، در حوزه مالیات بر واردات نگاه واقع‌بینانه و متناسب با عملکرد سال‌های گذشته داشته باشد تا با توجه به شرایط و مقتضیات کشور، این اقدام منجر به افزایش درصد تحقق درآمد مالیات بر واردات شود.

۲-۲. صادرات غیرنفتی

۲-۲-۱. آمارهای صادرات غیرنفتی به لحاظ روند و ساختار

براساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۵ میلیارد دلار با وزن حدود ۱۱۳/۷ میلیون تن کالا صادر شده است که به لحاظ ارزشی حدود ۱۴/۶ درصد و به لحاظ وزنی حدود ۱۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ کاهش داشته است. روند صادرات غیرنفتی کشور طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ نشان می‌دهد اولاً، تا پایان سال ۱۳۹۸ ارزش صادرات کشور به‌طور متوسط سالیانه حدود ۲/۴ درصد رشد کرده و ثانیاً، به دلیل بدتر شدن وضعیت صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سال ۱۳۹۸ و کاهش بیش از ۵ میلیارد دلاری آن، میانگین رشد سالیانه صادرات غیرنفتی کشور با احتساب سال ۱۳۹۹ به حدود ۰/۴ درصد کاهش یافته است. این امر بیانگر ضعف سیاست‌ها، ساختارها و فرایندهای حمایت از صادرات غیرنفتی است.

براساس گزارش سازمان تجارت جهانی^۱ در سال ۲۰۲۰ حجم صادرات کشور ترکیه بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار بوده است؛ آمارهای جدول ۱۱ نشان می‌دهد وضعیت تجارت خارجی و به‌خصوص صادرات غیرنفتی ایران به لحاظ ارزش در مقایسه با کشورهای همسایه نظیر ترکیه دچار عقب‌ماندگی جدی است.

جدول ۱۱. روند ارزش صادرات غیرنفتی ۹۹-۱۳۹۰ (میلیون دلار/درصد)

| سال | ارزش (میلیون دلار) |
|-------------------------------|--------------------|
| ۱۳۹۰ | ۳۳۸۱۸/۶ |
| ۱۳۹۱ | ۳۲۵۶۷/۲ |
| ۱۳۹۲ | ۳۱۵۵۲/۰ |
| ۱۳۹۳ | ۳۶۵۵۵/۲ |
| ۱۳۹۴ | ۳۵۶۰۹/۳ |
| ۱۳۹۵ | ۳۶۷۲۲/۹ |
| ۱۳۹۶ | ۳۹۹۱۹/۶ |
| ۱۳۹۷ | ۳۹۵۸۰/۴ |
| ۱۳۹۸ | ۴۰۹۹۶/۰ |
| ۱۳۹۹ | ۳۴۹۹۸/۰ |
| میانگین رشد سالیانه ۱۳۹۰-۱۳۹۸ | ۲/۴ |
| میانگین رشد سالیانه ۱۳۹۹-۱۳۹۰ | ۰/۴ |

مأخذ: بانک اطلاعاتی سری زمانی بانک مرکزی به نشانی:

<https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

در سال‌های اخیر به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی و محدودیت تجاری ایجاد شده برای صادرکنندگان و همچنین شیوع ویروس کرونا روند صادرات غیرنفتی نزولی شده است. بر این اساس اگرچه دولت در قالب بسته حمایت از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۹۹ اقدام به مقرراتگذاری و حمایت از صادرکنندگان غیرنفتی کرده است، اما برآیند اقدامات انجام شده نتوانسته روند نزولی صادرات غیرنفتی را در سال‌های اخیر متوقف کند. شواهد آماری و مطالعات متعدد ارتباط مستقیم بین صادرات غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. چنانچه در جدول ۱۲ ملاحظه می‌شود، نسبت صادرات غیرنفتی به تولید داخلی از ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است که بیانگر کاهش نقش و اهمیت صادرات غیرنفتی در تولید کشور است. این نسبت طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۴ صعودی بوده که پس از اعمال تحریم‌های جدید آمریکا و فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در زمینه تنوع‌بخشی، تمرکززدایی و تنوع‌بخشی به محصولات صادراتی، صادرات غیرنفتی کشور دچار شوک منفی قابل توجهی شده و نسبت آن به تولید داخلی از بیش از ۳۳ درصد در سال ۱۳۹۷ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است.

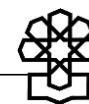
جدول ۱۲. نسبت صادرات غیرنفتی (کالا و خدمات) به تولید داخلی ۱۳۹۰-۱۳۹۹ (درصد)

| سال | نسبت صادرات غیرنفتی به تولید داخلی |
|------|------------------------------------|
| ۱۳۹۰ | ۲۵/۶ |
| ۱۳۹۱ | ۲۴/۱ |
| ۱۳۹۲ | ۲۶/۹ |
| ۱۳۹۳ | ۲۳/۱ |
| ۱۳۹۴ | ۱۹/۷ |
| ۱۳۹۵ | ۲۲/۴ |
| ۱۳۹۶ | ۲۴/۹ |
| ۱۳۹۷ | ۳۳/۲ |
| ۱۳۹۸ | ۲۵/۳ |
| ۱۳۹۹ | ۱۵ |

Source: <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic>

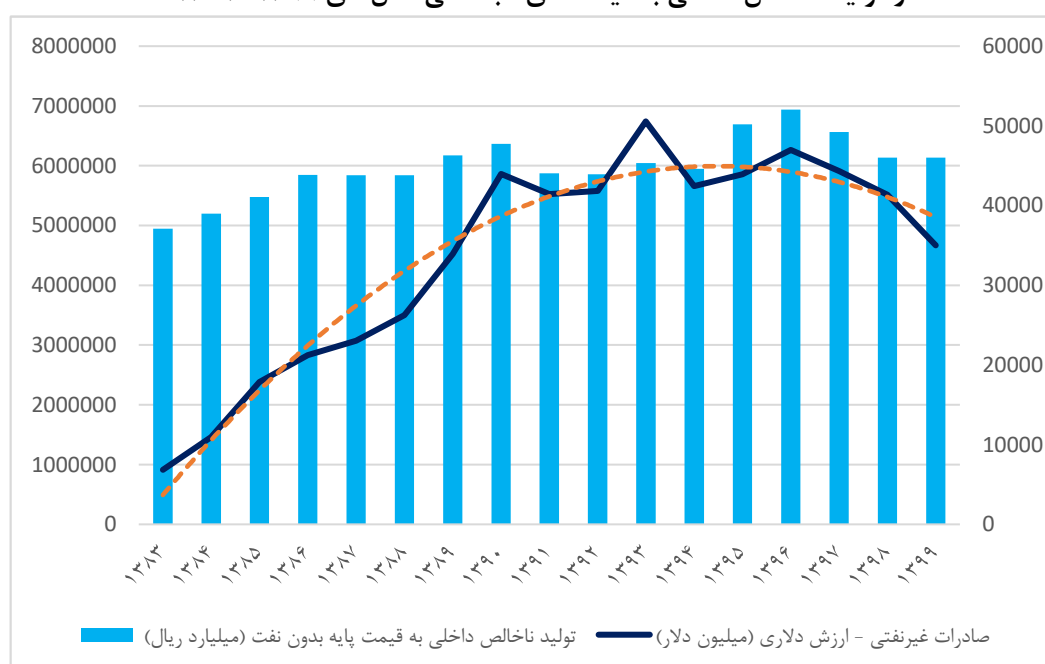
نمودار ۱ نیز نشان می‌دهد در اکثر سال‌هایی که تولید ناخالص داخلی دچار انقباض شده صادرات غیرنفتی نیز کاهش یافته است. شایان ذکر است که جهت افزایش یا حفظ صادرات غیرنفتی در سطح موجود در گام نخست باید اقتصاد دارای مازاد تولید یا دارای روند رو به رشد در کالاهای صادراتی باشد که این اتفاق در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران در حوزه کالاهای صادراتی رخ نداده است.

سیاستگذار اقتصادی باید به توجه به کاهش درآمدهای ارزی کشور به دلیل محدودیت‌های خارجی ایجاد شده، توجه ویژه‌ای به رفع موانع صادرات غیرنفتی داشته باشد. اقتصاد ایران به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات عمده آن نتوانسته است آن گونه که باید بخش صادرات غیرنفتی خود را بهبود



بخشد. در شرایط کاهش درآمدهای نفتی، صادرات غیرنفتی می‌تواند کمک شایان و پایداری جهت جبران درآمدهای کاهش یافته دولت‌ها باشد و این اقدام از ضروریات اقتصاد کشور برای گذار به یک اقتصاد سالم و با درآمدهای پایدار است. نتیجه چنین روندی منجر به تقویت تولید داخلی نیز خواهد شد. ذکر این نکته ضروری است که برای شتاب بخشیدن به صادرات غیرنفتی باید به ماهیت ساختار موجود و سپس ایجاد تحول ساختاری در حوزه صادرات توجه کرد. در ادامه برخی از شاخص‌هایی که نشان‌دهنده ساختار و تنوع صادرات غیرنفتی در ایران است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۱. مقایسه روند صادرات غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۹



مأخذ: براساس آمارهای رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

الف) شاخص تمرکز کالاهای صادراتی

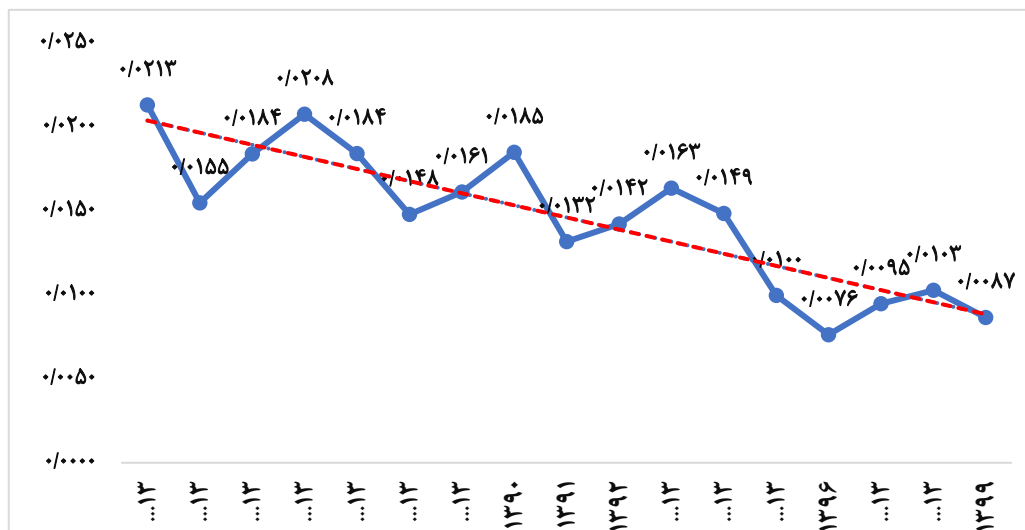
شاخص تمرکز براساس شاخص هرfindال است که این شاخص از جمع مجذور سهم هر کالا در کل صادرات ایران محاسبه می‌شود. فرمول محاسبه شاخص تمرکز:

$$H = \sum_{i=1}^N s_i^2$$

• جایی که s_i سهم کالا در کل صادرات است و N تعداد کالاهاست. مقدار عددی شاخص هرfindال (H) از یک n تا یک متغیر است. شاخص تمرکز صادرات^۱ عددی بین صفر و یک است که نشان‌دهنده

تنوع کالاهای صادراتی است. اگر این شاخص به عدد یک نزدیک باشد بدین معناست که صادرات کشور در چند محصول متمرکز است. در مقابل مقادیر نزدیک به صفر منعکس‌کننده صادرات همگن‌تر در محصولات مختلف است. نمودار ۲ نشان می‌دهد طی سال‌های مورد بررسی علی‌رغم روند نزولی شاخص تمرکز صادراتی (شاخص از ۰/۰۱۳۲ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۰۰۸۷ در سال ۱۳۹۹ رسیده است)، این شاخص با نوسان زیادی مواجه و روند تمرکز کالاهای صادراتی به‌طور مستمر کاهش نیافته است. این امر بیانگر فقدان راهبرد مشخص در تمرکززدایی از محصولات در صادرات غیرنفتی است. در محاسبه شاخص براساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران همه کدهای HS بجز کدهای مربوط به میعانات گازی و گاز طبیعی استفاده شده است.

نمودار ۲. شاخص تمرکز محصول صادراتی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۹



مأخذ: محاسبات محقق براساس داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.

شایان ذکر است نوسان در تنوع کالاهای صادراتی از یک طرف و وابسته بودن اقتصاد ایران به صادرات مواد خام و طبیعی از طرف دیگر، باعث افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور شده است.

ب) شاخص تنوع محصول صادراتی

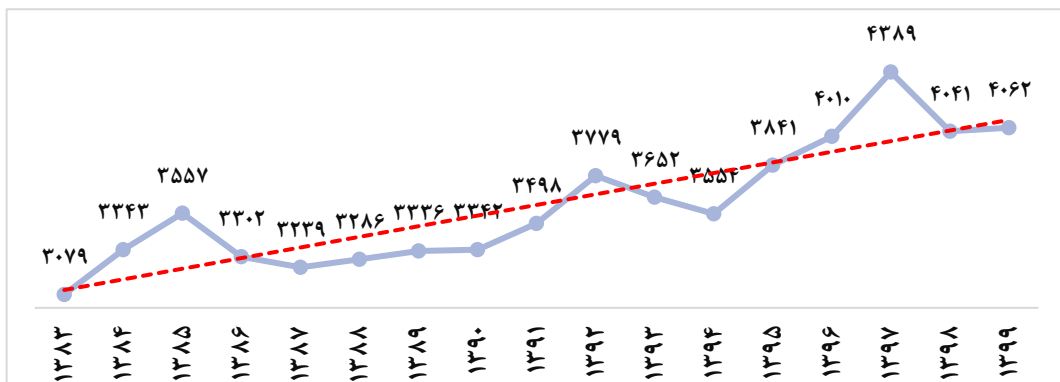
شاخص متنوع‌سازی^۱ معیاری برای سنجش تخصصی‌سازی و متنوع‌سازی است که نشان‌دهنده افزایش تنوع کالاهای صادراتی است؛ البته محاسبه این آمار برای هر کالای صادراتی و به هر مقدار صورت می‌گیرد. براساس نمودار ۳، تنوع محصولات صادراتی بهبود یافته و از ۳۳۴۲ نوع کالا در سال ۱۳۹۰ به ۴۰۶۲ نوع کالا در سال ۱۳۹۹ رسیده است که به‌نوعی برای اقتصاد ایران مثبت تلقی می‌شود؛ اما باید در نظر داشت

1. Diversification Index



اگرچه در اقتصاد ایران محصولات متنوعی تولید می‌شود، اما مقیاس صادراتی نیز در این میان مهم است که بررسی‌های این تحقیق نشان می‌دهد متأسفانه چنین مقیاسی برای این تولیدات وجود ندارد؛ بلکه بسیاری از کالاها فقط برای تأمین نیاز داخل تولید می‌شود. برای نمونه در سال ۱۳۹۹ علی‌رغم وجود ۴۰۶۲ نوع محصول صادراتی، میزان صادرات اغلب کالاها ناچیز و زیر ۱۰ هزار دلار بوده است. لذا در کنار تنوع بخشی به محصولات صادراتی باید مقیاس محصولات صادراتی نیز افزایش یابد.

نمودار ۳. شاخص تنوع محصول صادراتی طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۹

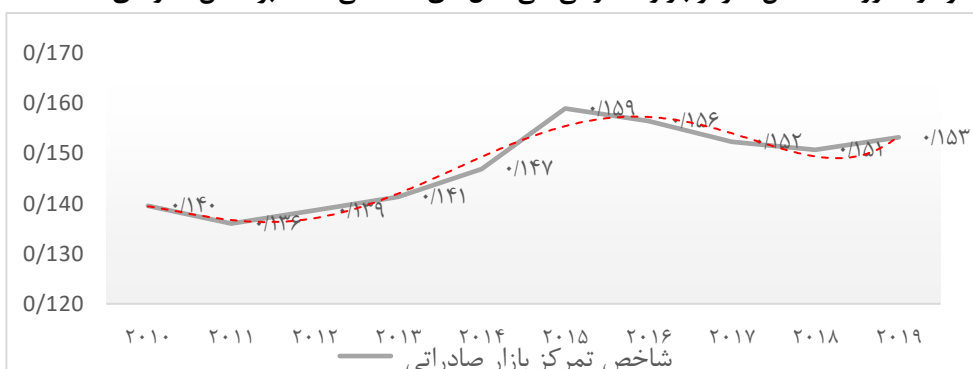


مأخذ: محاسبات محقق براساس داده‌های گمرک جمهوری اسلامی ایران.
توضیح: در محاسبه شاخص‌ها کدهای مربوط به میعانات گازی و گاز طبیعی به دلیل ایجاد تورش در شاخص حذف شده است.

ج) شاخص تمرکز بازار صادراتی

شاخص تمرکز بازار^۱ صادراتی نشان‌دهنده تمرکزگرایی در بازارهای هدف صادراتی و به‌نوعی افزایش ریسک در تجارت خارجی کشور است.

نمودار ۴. روند شاخص تمرکز بازار صادراتی طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۹ براساس آمارهای آنکتاد



Source: <http://unctadstat.unctad.org>

با توجه به نمودار ۴، روند تمرکزگرایی در صادرات ایران در بازارهای هدف رو به افزایش است و از ۰/۱۳۶ در سال ۱۳۹۰ به ۰/۱۵۳ در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این روند نشان‌دهنده عملکرد ضعیف نهادهای متولی تجارت خارجی و فقدان دیپلماسی فعال تجاری جهت گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای مختلف دنیاست.

۲-۲-۲. راهکارهای توسعه صادرات غیرنفتی

سیاستگذار اقتصادی می‌تواند با اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی مشخص و به‌شرط تأمین پیش‌شرط‌های لازم برای انجام مبادلات تجاری آسان و کم‌هزینه و با رفع موانع صادرات غیرنفتی به‌صورت کارآمدی از این بخش حمایت کند. اقتصاد ایران به‌دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و نوسانات عمده آن نتوانسته آن‌گونه که باید بخش صادرات غیرنفتی خود را بهبود دهد. صادرات غیرنفتی می‌تواند در شرایط کاهش درآمدهای نفتی کمک شایانی برای جبران درآمدهای کاهش یافته دولت‌ها باشد و این اقدام از ضروریات اقتصاد کشور برای گذار به یک اقتصاد سالم و با درآمدهای پایدار است. برای شتاب بخشیدن به صادرات غیرنفتی باید به ماهیت ساختار موجود و سپس ایجاد تحول ساختاری در حوزه صادرات توجه کرد. برخی از اقداماتی که می‌تواند به بهبود صادرات غیرنفتی کمک کند شامل موارد ذیل است:

الف) شناسایی بخش‌های مزیت‌دار کشور

برای اینکه بتوان به‌طور بنیادی تأثیرگذاری صادرات غیرنفتی را در حوزه تولید مشاهده کرد باید در ابتدا بخش‌های مزیت‌دار کشور شناسایی شوند. در صورتی که بخواهیم در تمام کالاها تولید و صادرات داشته باشیم نمی‌توان به فناوری و تمرکز منابع دست یافت. در ابتدا باید بتوان بخش‌هایی از اقتصاد کشور که دارای مزیت هستیم را شناسایی و تولیدات با فناوری بالا را سامان‌دهی نماییم و در این راستا وزارت صنعت، معدن و تجارت مسئولیت مهمی دارد.

ب) افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی با ارائه ایده‌های جدید در روش تولید

در چارچوب الزامات و برقراری شرایط نهادی مساعد محیط رقابتی در اقتصادی که سهم عمده آن توسط بخش خصوصی اداره می‌شود زمینه‌ساز افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ساخت داخل است. اگر سیاستگذار به دنبال ارتقای کیفیت محصولات داخلی است باید تولیدکنندگان داخلی را در معرض رقابت با کالاهای مشابه خارجی قرار دهد. شرایط انحصار در صنعت خودروسازی تجربه‌ای ارزنده را پیش روی سیاستگذار اقتصادی قرار داده است.

ج) بازاریابی فعال محصولات صادراتی با همکاری تمام دستگاه‌های اجرایی مرتبط

پس از تولید محصول باکیفیت و صادراتی مرحله بازاریابی و فروش محصول در کشورهای هدف نقش بسزایی در افزایش صادرات غیرنفتی دارد که بنگاه‌های اقتصادی و متولی تجارت خارجی به‌خصوص وزارت صمت مسئولیت مهمی را در این راستا دارند.



د) تولید در مقیاس گسترده در کالاهای مزیت‌دار و توجه به کیفیت آنها

تولید در مقیاس گسترده با هدف کاهش هزینه‌ها می‌تواند محصول را در زمان‌بندی مناسب و به‌طور مداوم در اختیار مشتریان داخلی و خارجی قرار دهد. لازم است بخش‌های مزیت‌دار صادراتی اقتصاد شناسایی شوند و با انتقال فناوری و ارتقای کیفیت محصولات مورد نظر، تولید در این بخش‌ها در سطح استانداردهای بین‌المللی تنظیم شود. سپس روی صادرات این کالاهای با فناوری بالا و دارای استاندارد بین‌المللی، برنامه‌ریزی مناسب، شفاف و دارای قابلیت رصد و پاسخگویی، توسط وزارتخانه‌های متولی (صمت، جهاد کشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و...) صورت گیرد. شایان ذکر است با اقدامات مقطعی و کوتاه‌مدت نمی‌توان از صادرات غیرنفتی انتظار اثرگذاری چندانی را بر تولید داشت.

از طرفی کیفیت بسته‌بندی و ارائه خدماتی نظیر حمل‌ونقل، بیمه و انبارداری برای کالاهای صادراتی نیز هم در قیمت نهایی کالاها و هم میزان تقاضا برای آنها اهمیت ویژه دارد و باید مورد توجه قرار گیرد.

ه) تقویت دیپلماسی اقتصادی

تقویت دیپلماسی اقتصادی در کشورهای طرف تجاری و تدوین راهبرد توسعه تجاری در دولت با کشورهای طرف معامله و حضور فعال رایزنان بازرگانی ایران در بازارهای شرکای عمده تجارت خارجی کشور از ضروریات توسعه صادرات غیرنفتی است. برای توسعه صادرات حتی به کشورهای همسایه ابتدا باید حجم تولید بنگاه‌های اقتصادی صادرکننده افزایش یابد و اگر بنابر گسترش صادرات غیرنفتی خارج از شرکای عمده تجاری باشد باید مقیاس تولید و رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

۲-۳. مناطق آزاد

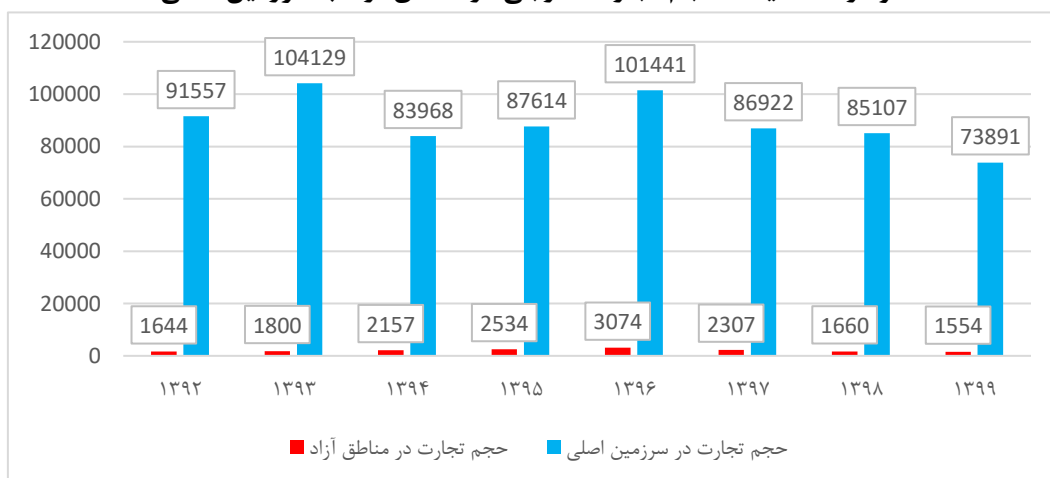
۲-۳-۱. عملکرد اقتصادی مناطق آزاد

براساس تجربیات جهانی ایجاد مناطق آزاد راهکاری برای تمرین آزادسازی تجاری و تقویت فضای رقابتی در راستای تسهیل فضای کسب‌وکار (مثال کشور چین در دهه ۱۹۸۰ برای گذار از اقتصاد بسته و سوسیالیستی به اقتصاد آزاد) بوده است. براساس تجربه ایجاد مناطق آزاد در ایران این مناطق علاوه بر اهداف معمول راهکاری برای توسعه اقتصادی مناطق مرزی، ایجاد اشتغال پایدار، افزایش امنیت مرزها، محرومیت‌زدایی، تمرکززدایی، توسعه منطقه‌ای و... در نظر گرفته شده است. کشورهای مختلفی نیز از سیاست مناطق آزاد برای عرضه کالا و خدمات به بازارهای خارجی استفاده کرده‌اند که آثار متفاوتی بر توسعه اقتصادی کشورها داشته است. این سیاست در بعضی از کشورها منجر به تنوع و رشد صادرات، ایجاد اشتغال و ارزآوری شده، اما در برخی دیگر مانند کشورهای آفریقایی نتایج ناامیدکننده بوده است. براساس آخرین گزارش آنکتاد (۲۰۱۹) نیز پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی روند ایجاد مناطق آزاد کاهش یافته است. در همان زمان ایجاد مناطق آزاد در دنیا که حدوداً ۴ دهه پیش بود نیز به‌عنوان سیاست بهینه اول شناخته نمی‌شد. به‌عبارت دیگر اصلاحات در

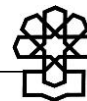
سرزمین اصلی مقدم بر ایجاد این مناطق است. تمام مناطق آزاد تجاری - صنعتی موفق جهان، زمانی به موفقیت رسیده‌اند که اقتصاد این کشورها از مناطق آزاد به‌عنوان یک آزمایشگاه جهت تجارت هدفمند در اقتصاد جهانی استفاده کرده‌اند. یعنی ابتدا استراتژی توسعه صنعتی (تولیدی) این کشورها در راستای تجارت هدفمند با اقتصاد جهانی تدوین شده است، سپس به‌دلیل اینکه سرزمین اصلی آمادگی پیاده کردن این استراتژی را نداشته، مناطقی طراحی و تأسیس شده‌اند تا قوانین و مقررات تجارت آزاد با کمترین موانع اداری و بیشترین تسهیلات و امتیازات برای سرمایه‌گذاری خارجی در آنجا اجرا شود.

ایرادی که به مناطق آزاد تجاری در کشورهای در حال توسعه گرفته می‌شود، این است که این مناطق باعث ترویج واردات کالاهای خارجی و تضعیف و نابود شدن تولیدکننده‌های ملی که نیاز به پشتیبانی دارند، می‌شود. در صورتی که یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد، ایجاد بستر مناسب برای تأمین کالا و تجهیزات ارزان‌قیمت از بازارهای خارجی و بین‌المللی، تولید اشتراکی و... برای مؤسسه‌ای است که سعی در پیروزی در تجارت جهانی و مستولی شدن بر بازارهای بین‌المللی دارند. مروری بر آمارهای اصلی مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران نشان می‌دهد که این مناطق عملکرد اقتصادی قابل قبولی طی سال‌های مورد بررسی براساس اسناد بالادستی از جمله بند «۱۱» سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نداشته‌اند. یکی از مواردی که نشان‌دهنده عملکرد مجموعه مناطق آزاد و اهمیت آن در مبادلات بازرگانی کشور است، حجم تجارت خارجی انجام شده در مناطق آزاد است. در سال ۱۳۹۹ نسبت حجم تجارت در مناطق آزاد به سرزمین اصلی حدوداً رقم ۲ درصد را به‌خود اختصاص داده است. به‌عبارت دیگر مناطق آزاد ایران علی‌رغم امتیازات قانونی که به آنها اعطا شده، می‌توانستند حجم عمده تجارت خارجی کشور را پوشش دهند که آمارها نشان‌دهنده عملکرد ضعیف این مناطق در افزایش حجم تجارت خارجی کشور است. از طرفی میانگین رشد سالیانه تجارت در مناطق آزاد نیز ۰/۸- بوده است (جدول ۱۳).

نمودار ۵. مقایسه حجم تجارت خارجی در مناطق آزاد با سرزمین اصلی



مأخذ: آمارهای ارائه شده دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.



جدول ۱۳. نسبت تجارت خارجی مناطق آزاد به سرزمین اصلی ۱۳۹۹-۱۳۹۲

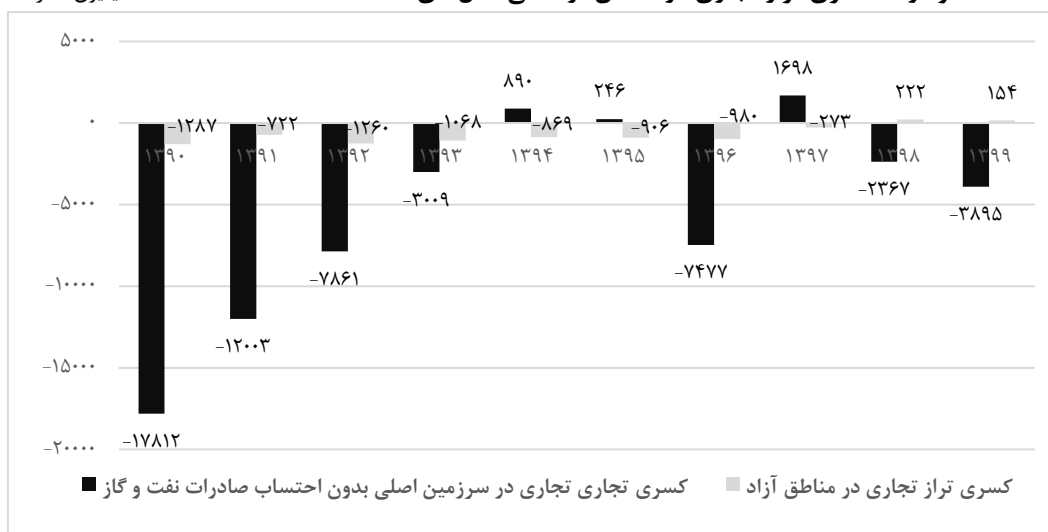
(میلیون دلار/درصد)

| سال | مناطق آزاد (میلیون دلار) | سرزمین اصلی (میلیون دلار) | نسبت تجارت مناطق آزاد به سرزمین اصلی (درصد) |
|---|-----------------------------|------------------------------|--|
| ۱۳۹۲ | ۱۶۴۴ | ۹۱۵۵۷ | ۱/۸ |
| ۱۳۹۳ | ۱۸۰۰ | ۱۰۴۱۲۹ | ۱/۷ |
| ۱۳۹۴ | ۲۱۵۷ | ۸۳۹۶۸ | ۲/۶ |
| ۱۳۹۵ | ۲۵۳۴ | ۸۷۶۱۴ | ۲/۹ |
| ۱۳۹۶ | ۳۰۷۴ | ۱۰۱۴۴۱ | ۳/۱۰ |
| ۱۳۹۷ | ۲۳۰۷ | ۸۶۹۲۲ | ۲/۷ |
| ۱۳۹۸ | ۱۶۶۰ | ۸۵۱۰۷ | ۲/۱۰ |
| ۱۳۹۹ | ۱۵۵۴ | ۷۳۸۹۱ | ۲/۱۱ |
| میانگین رشد سالیانه تجارت در مناطق آزاد ایران ۹۹-۱۳۹۲ | | | -۰/۸ |

مأخذ: آمارهای ارائه شده دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.

براساس آمارها در اکثر سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹) تراز تجاری در مناطق آزاد منفی بوده است. یکی از علت‌های اصلی این موضوع آن است که درآمدهای این مناطق برای تأمین زیرساخت‌ها، از محل واردات تأمین می‌شود و این مناطق اساساً برای توسعه خود به چنین درآمدهایی نیاز دارند. براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۱۳۹۹ حجم تولید ناخالص داخلی ایران حدوداً ۱۹۱/۸ میلیارد دلار و حجم تجارت در همین سال در مناطق آزاد ۱/۵ میلیارد دلار بوده است که این نسبت برابر با ۰/۸ تولید ناخالص داخلی کشور است و نشان می‌دهد مناطق آزاد سهم ناچیزی در اقتصاد ملی داشته است.

نمودار ۶. کسری تراز تجاری در مناطق آزاد طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۲ (میلیون دلار)



مأخذ: آمارهای دریافتی از دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.

هرچند تراز تجاری مناطق آزاد در سال‌های ۱۳۹۸ (۲۲۲ میلیون دلار) و ۱۳۹۹ (۱۵۴ میلیون دلار) مثبت بوده است، اما متوسط سالیانه تراز تجاری مناطق آزاد طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۲ حدود ۶۲۲/۵ میلیون دلار منفی بوده است. در همین راستا تراز تجاری بدون احتساب صادرات نفت و گاز در سرزمین اصلی نیز در سال ۱۳۹۹، حدود ۳۸۹۵ میلیون دلار کسری داشته و در اغلب سال‌ها نیز این تراز منفی حاکم بوده است. بر این اساس، می‌توان این‌گونه بیان کرد که عملکرد مناطق آزاد در ایران متأثر از سیاست‌های اتخاذ شده در سرزمین اصلی بوده است؛ به عبارتی دیگر، در اکثر سال‌هایی که در سرزمین اصلی کسری تراز تجاری وجود داشته، مناطق آزاد نیز دارای کسری تراز تجاری بوده‌اند و نتوانسته‌اند عملکردی متفاوت از سرزمین اصلی داشته باشند. بنابراین مناطق آزاد جهت موفقیت نیازمند بهبود شرایط محیط کسب‌وکار و کاهش ریسک‌های اقتصادی در سرزمین اصلی هستند و شواهد آماری نیز مؤید همین مطلب است. یکی از دلایل کسری تراز تجاری مناطق آزاد می‌تواند سرمایه‌گذاری‌هایی باشد که در این مناطق با اهدافی غیر از توسعه صادرات انجام شده است.

آمار بعدی که دارای اهمیت زیادی است حجم سرمایه‌گذاری خارجی تحقق‌یافته در مناطق آزاد است که طی سال‌های مورد بررسی (۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹) به‌طور متوسط حدوداً ۱۹۲ میلیون دلار بوده است، در حالی که به‌طور متوسط این رقم برای سرزمین اصلی حدوداً ۱۷۸۲ میلیون دلار بوده که این نسبت حدوداً ۱۱ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی در سرزمین اصلی است. به بیان دیگر براساس شواهد آماری از عملکرد اقتصادی آنها، این مناطق نقش چندانی در جذب سرمایه‌های خارجی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تأسیس این مناطق در اقتصاد ایران نداشته‌اند.

(میلیون دلار/درصد)

جدول ۱۴. وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی تحقق‌یافته در مناطق آزاد

| سال | سرمایه‌گذاری خارجی کل کشور | سرمایه‌گذاری خارجی مناطق آزاد | نسبت سرمایه‌گذاری خارجی مناطق آزاد به کل کشور |
|------|----------------------------|-------------------------------|---|
| ۱۳۹۲ | ۱۳۰۰ | ۲۷ | ۲/۰۸ |
| ۱۳۹۳ | ۳۰۰ | ۱۱۳ | ۳۷/۶۷ |
| ۱۳۹۴ | ۲۶۰۰ | ۲۴۹ | ۹/۵۸ |
| ۱۳۹۵ | ۲۴۰۰ | ۳۵۰ | ۱۴/۵۸ |
| ۱۳۹۶ | ۵۰۰۰ | ۴۴۸ | ۸/۹۶ |
| ۱۳۹۷ | ۳۱۰۰ | ۳۰۷ | ۹/۹۰ |
| ۱۳۹۸ | ۱۵۰۰ | ۲۱۱ | ۱۴/۰۷ |
| ۱۳۹۹ | ۱۳۴۲ | ۱۵۹ | ۰/۱۲ |

مأخذ: آمارهای دریافتی از دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی.

۱. هرچند نقش را باید براساس شاخص‌های خاصی نظیر سهم از تولید منطقه، نسبت جمعیت شاغل و همچنین میزان ارزش تولیدات صنعتی سنجدید، اما آمار درخصوص موارد ذکر شده حداقل به‌صورت سری زمانی وجود ندارد.



در مجموع، آمارهای اقتصادی مناطق آزاد نشان‌دهنده شکست این مناطق در رسیدن به اهداف اقتصادی است و توسعه کمی و جغرافیایی این مناطق نیز کمک چندانی به اقتصاد ملی نخواهد کرد. اتخاذ سیاست صنعتی و تجاری دقیق و الزام‌آور و مشخص شدن جایگاه این مناطق در استراتژی تجاری کشور می‌تواند نقش مناطق آزاد را در اقتصاد ملی مشخص کند. این مناطق در رسیدن به اهداف اقتصادی موفقیت‌های کمی داشته‌اند و در توسعه منطقه‌ای و محرومیت‌زدایی نیز اقدامات انجام شده قابل‌سنجش و ارزیابی براساس داده‌های اقتصادی نیست، هرچند اقدامات مثبتی در توسعه نقاط مرزی کشور انجام شده است.

۲-۳-۲. راهکارهای بهبود عملکرد مناطق آزاد

سیاستگذاری در حوزه اقتصاد در طیفی قرار دارد که در یک طرف اقتصاد آزاد قرار گرفته که مبتنی بر قواعدی از جمله عدم دخالت دولت در اقتصاد و استفاده از مکانیسم عرضه و تقاضا به تشویق سیاست‌های برون‌نگر و توسعه تجارت و صادرات می‌پردازد و در سوی دیگر این دسته‌بندی، اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز قرار گرفته که مبتنی بر قواعدی از جمله حقوق مالکیت دولتی و برنامه‌ریزی در تمامی امور اقتصادی و سیاست‌های درون‌نگر و تشویق سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تمامی زمینه‌هاست. قرار گرفتن در دو سر طیف حالت بهینه‌ای نیست که گفته شود یا اقتصاد آزاد یا اقتصاد دولتی، بلکه باید در طول این طیف حرکت کرد. به عبارت دیگر بخشی از اقتصاد کشور برای داشتن رقابت پذیری لازم حتماً نیازمند تجارت آزاد است و در این راستا مناطق آزاد به‌عنوان ابزاری در این جهت می‌تواند کمک‌کننده باشد. هر سیاست اقتصادی نیز بایسته‌ها و شرایط خاص خود را در یک بستر نهادی مناسب نیاز دارد و اگر به پیش‌نیازها توجه کافی صورت نگیرد نمی‌توان انتظار کارآمدی و اثربخشی از سیاست‌های اقتصادی داشت. مناطق آزاد در ایران بدون داشتن زیرساخت‌های لازم و مشخص نبودن سیاست تجاری کشور و مهم‌تر از همه نوسان در سیاست‌های تجاری و صنعتی نتوانستند نقش خود را مانند کشورهای موفق در این حوزه در اقتصاد ملی ایفا کنند. برای رفع مشکلات مناطق آزاد راهکارهایی وجود دارد که برخی از آنها به شرح ذیل است:

- مشخص شدن الگوی اداره مناطق آزاد (توسعه منطقه‌ای یا تولید و صادرات)
- مشخص شدن جایگاه این مناطق در سیاست تجاری و صنعتی کشور
- تکمیل زیرساخت‌های اساسی در محدوده مناطق آزاد شامل راه، جاده، بندر، فرودگاه و...
- حذف نقاط جمعیتی و شهری از داخل محدوده این مناطق در یک بازه زمانی مشخص
- خارج شدن از امور غیرتخصصی و تمرکز بر وظایف اقتصادی
- حفظ امتیازات مناطق آزاد و حمایت حداکثری از تولید و صادرات در این مناطق
- اتخاذ تدابیر ویژه برای جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال فناوری به‌عنوان یکی از اهداف اصلی

تأسیس این مناطق

- مدیریت کالاهای وارداتی به مناطق آزاد (واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات خط تولید به جای واردات کالاهای مصرفی)

۲-۴. حوزه واردات غیررسمی کالا (قاچاق)

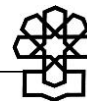
۲-۴-۱. تبیین وضع موجود

قاچاق کالا و ارز، فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج قانونی کالا و ارز به کشور می‌شود^۱ و به دلیل عدم پرداخت حقوق ورودی و مالیات‌های مصوب دولت و ترک تشریفات ورود قانونی به کشور، به تولید و تجارت رسمی کشور، سلامت جامعه، بخش رسمی اقتصاد و سیاست‌های تجاری سیاستگذاران آسیب می‌زند. با توجه به وظیفه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و آمار کشفیات مشاهده می‌شود که حجم قاچاق کالا و ارز طی سال‌های مختلف نسبت به تجارت رسمی کشور قابل توجه است.

همان‌گونه که از محاسبات جدول ۱۵ نشان داده شده، نسبت کل قاچاق به تولید داخلی از ۵/۴ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۹ درصد در سال ۱۳۹۸ و ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده و طی این دوره به‌طور متوسط سالیانه حدود ۹/۵ درصد رشد داشته است. از طرفی نسبت ارزش کل قاچاق به تجارت رسمی کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده و به‌طور متوسط سالیانه حدود ۹ درصد کاهش یافته است (جدول ۱۵). نسبت‌های مزبور بیانگر این واقعیت است که اولاً، به دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره مورد بررسی و گران شدن کالاهای خارجی میزان قاچاق ورودی به کل واردات کاهش یافته و از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است و ثانیاً، در سال‌هایی که تولید ناخالص داخلی به دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و همچنین تحریم روندی کاهشی داشته است و همچنین به دلیل افزایش نرخ ارز و افزایش قاچاق خروجی (کاهش خالص صادرات کشور)، سهم قاچاق از تولید داخلی افزایشی بوده است.

طی دوره مورد بررسی، مجموع تجارت غیررسمی (قاچاق ورودی و خروجی) حدود یک‌پنجم تجارت رسمی کشور را شامل شده است (۱۸/۳ درصد طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۲). با توجه به سهم قابل توجه قاچاق از تجارت خارجی و با نظر به گستردگی ورود کالاهای مختلف از این مسیر که براساس آمار کشفیات قابل بررسی است لازم است در این خصوص آسیب‌شناسی مناسبی انجام شود. در واقع اقلام متعدد وارد شده از مسیر قاچاق بیانگر این ضرورت است که اولاً، نوسانات نرخ ارز کنترل شود و ثانیاً، باید فضای تجارت رسمی کشور تسهیل شده و از تغییر مکرر قوانین و درخواست مجوزهای متعدد برای ورود کالا از مسیرهای قانونی جلوگیری شود.

۱. ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.



جدول ۱۵. نسبت قاچاق به تجارت رسمی و تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار/درصد)

| شرح | ۱۳۹۲ | ۱۳۹۳ | ۱۳۹۴ | ۱۳۹۵ | ۱۳۹۶ | ۱۳۹۷ | ۱۳۹۸ | ۱۳۹۹* | میانگین رشد سالیانه |
|--|------|------|------|------|------|------|------|-------|---------------------|
| قاچاق ورودی | ۱۷/۲ | ۱۵/۷ | ۱۴/۵ | ۱۲/۱ | ۱۲ | ۱۲/۱ | ۱۲/۵ | ۱۱/۹ | -۵/۱ |
| قاچاق خروجی | ۷/۸ | ۴/۱ | ۱ | ۰/۵ | ۰/۹ | ۲/۹ | ۴/۶ | ۴/۲ | -۸/۵ |
| مجموع قاچاق برآوردی | ۲۵ | ۱۹/۸ | ۱۵/۵ | ۱۲/۶ | ۱۲/۹ | ۱۵ | ۱۷/۱ | ۱۶/۱ | -۶/۱ |
| واردات | ۴۹ | ۵۳ | ۴۱ | ۴۳ | ۵۴ | ۴۳ | ۴۳ | ۳۷/۴ | -۳/۸ |
| صادرات | ۳۱ | ۳۶ | ۳۵ | ۳۶ | ۳۹ | ۳۹ | ۴۲/۱ | ۳۶/۵ | ۲/۴ |
| کل تجارت رسمی | ۸۰ | ۸۹ | ۷۶ | ۷۹ | ۹۳ | ۸۲ | ۸۵/۱ | ۷۳/۹ | -۱/۱ |
| نسبت قاچاق ورودی به کل واردات | ۳۵ | ۲۹ | ۳۵ | ۲۸ | ۲۲ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۱/۸ | -۱/۴ |
| نسبت کل قاچاق به تجارت رسمی | ۳۱ | ۲۲ | ۲۰ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۸ | ۱۴/۷ | ۱۶ | -۹ |
| تولید ناخالص داخلی به دلار | ۴۶۰ | ۴۳۲ | ۳۸۴ | ۴۱۷ | ۴۴۵ | ۲۹۴ | ۱۸۹ | ۱۵۷/۸ | -۱۴/۲ |
| نسبت کل قاچاق به تولید ناخالص داخلی (درصد) | ۵/۴ | ۳/۶ | ۴ | ۳ | ۲/۸ | ۵/۱ | ۹ | ۱۰/۲ | ۹/۵ |

مأخذ: محاسبات محقق براساس داده‌های سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس www.cbi.ir، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سایت بانک جهانی.

* برای سال ۱۳۹۹ آمار قاچاق ورودی و خروجی و همچنین کل قاچاق، براساس میانگین رشد سالیانه قاچاق ورودی (۵- درصد) و قاچاق خروجی (۸- درصد) برآورد صورت گرفته است.

شایان توجه است که یکی از اصلی‌ترین راهبردهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ایجاد سامانه‌هایی در راستای شفافیت اطلاعات اقتصادی و نظارت بر عملکرد سامانه‌ها توسط دولت و مجلس و اصلاح قوانین مرتبط است. در همین راستا مقرر شد مستند به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی با ایجاد ۸ سامانه اصلی و ۱۳ سامانه فرعی، اطلاعات مورد نیاز سامانه جامع تجارت و سامانه شناسایی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز تأمین شود. هرچند در سال‌های قبل، دستگاه‌های متولی سامانه‌های مختلف اقداماتی در این خصوص انجام داده‌اند، اما هرگونه اقدام نظارتی برای تکمیل و بهره‌برداری از این سامانه‌ها، می‌تواند در مبارزه مؤثر با قاچاق کالا و ارز، مفید باشد. به‌طور کلی، به‌دلیل کامل نبودن سامانه‌های مربوط به تجارت خارجی و عدم ارتباط سامانه‌های گمرک و بانک مرکزی و برخی دستگاه‌های متولی تجارت خارجی با سامانه جامع تجارت و فراهم نشدن بستر مناسب برای شفافیت در نقل‌وانتقال ارز و تراکنش‌های مالی، اجرای کامل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز محقق نشده و رسیدن به اهداف قانونگذاران در این حوزه با چالش‌های جدی مواجه است. از طرفی برخی ملاحظات معیشتی به‌دلیل عدم توسعه‌یافتگی و اشتغال پایدار در مناطق مرزی سبب انحراف معافیت‌های قانونی در اجرا شده است.

درمجموع مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مبارزه با قاچاق کالا و ارز را می‌توان به برخی از مشخصه‌های کلان اقتصاد کشور در حوزه نوسانات نرخ ارز، افزایش اختلاف قیمت‌های داخلی و خارجی، افزایش هزینه‌های تولید و تجارت خارجی مرتبط دانست؛ با این حال برخی تحولات سال ۱۳۹۹ مانند

افزایش تعرفه برخی کالاهای وارداتی با هدف حمایت از تولیدات داخلی و وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های جدید برای ثبت سفارش و ورود کالا و بروز برخی نوسانات ارزی در سالیان گذشته، در کنار پیشنهادهایی برای ایجاد برخی مناطق آزاد جدید یا توسعه محدوده مناطق فعلی با محدوده‌های وسیع و غیرقابل فنس‌کشی می‌تواند به افزایش قاچاق در کشور منجر شده و لازم است سیاست‌هایی برای تغییر روش‌های حمایت از تولیدات داخلی و توسعه منطقه‌ای از طریق ایجاد مناطق آزاد، مدنظر قرار گیرد.

۲-۴-۲. راهکارهای مبارزه با قاچاق

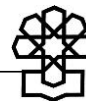
تجربه نشان می‌دهد که راهکارهای مقابله‌ای بدون اصلاح فرایندهای موجود در جهت افزایش شفافیت اقتصادی، کارایی لازم را نخواهد داشت. بحث پیشگیری از قاچاق کالا و کاهش انگیزه‌های آن از مسائل مهمی است که لازم است در اصلاح فرایندهای تجارت قانونی در نظر گرفته شود.

کاهش انگیزه مبادرت به قاچاق کالا در کنار اقدامات فرهنگی مناسب در جهت ترغیب مصرف‌کنندگان به استفاده از کالاهای باکیفیت داخلی و برنامه‌ریزی متولیان صنعت و تجارت کشور لازم است مورد توجه جدی برنامه‌ریزان اقتصادی کشور قرار گیرد. اصلاحات مناسب اقتصادی در جهت افزایش شفافیت مبادلات و تسهیل فرایند رسیدگی قضایی، پرونده‌های قاچاق و بالا بردن ریسک مبادرت به قاچاق کالا سبب کاهش حجم اقتصاد پنهان در کشور خواهد شد.

تسهیل ورود قانونی کالا به کشور راه‌حلی است که برای تمامی اقلام کالایی از جمله کالاهای ممنوع‌الورود قابل اجرا نیست. علاوه بر این تسهیل تجارت قانونی و در جهت فعالیت اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری مولد در جهت ایجاد اشتغال و ترغیب به فعالیت شفاف اقتصادی نیازمند همکاری نهادها و دستگاه‌های مختلفی است.

ایجاد فضای مناسب برای واردات قانونی با افزایش ثبات و شفافیت قوانین و اطلاع‌رسانی مناسب به فعالان تجاری و تولیدکنندگان منجر به تمایل به استفاده از مسیرهای مجاز به جای ورود کالا به کشور از مسیرهای غیرمجاز خواهد شد. کاهش مجوزهای متعدد صادره توسط وزارتخانه‌های مربوطه و تسریع در فرایندهای صدور مجوز از دیگر عوامل مهم در تسهیل تجارت قانونی در کشور است.

اصلاح قیمت‌های نسبی و همچنین کاهش تدریجی تعرفه و حقوق ورودی کالاها و افزایش سطح فناوری تولید تفاوت قیمت کالاهای تولید داخل و خارجی را کاهش می‌دهد. بهبود کیفیت تولیدات داخلی و حمایت‌های غیرتعرفه‌ای از تولید داخل در فضای رقابتی و تضمین حقوق مصرف‌کنندگان است. رهگیری کالاهای وارداتی و مسدود ساختن مسیرهای عمده‌فروشی کالای قاچاق در سطح عرضه، به‌ویژه در مورد کالاهایی که با سلامت جامعه در ارتباط مستقیم است و تشدید برخورد با زنجیره‌های توزیع و سازمان‌دهی قاچاق کالا تا زمان فروش ریسک مبادرت به قاچاق را افزایش خواهد داد.



استفاده از ابزارهای نوین رهگیری و شناسایی کالا و تشخیص حلقه‌های مبادله کالا با استفاده از قانون مالیات بر ارزش افزوده و نظارت بر مبادلات ارزی و حساب‌های مالی و کالایی می‌تواند شفافیت اقتصاد کشور را افزایش دهد.

کنترل و نظارت گمرک به‌عنوان مرزبان اقتصادی کشور بر تمامی مرزهای ورودی هوایی، آبی و زمینی جزو اولویت‌های مطروحه در برنامه‌های مبارزه با قاچاق کالا است که می‌باید با همکاری‌های سایر دستگاه‌های انتظامی و حاکمیتی مورد توجه قرار گیرد. کنترل مبادی مرزی و سامان‌دهی مبادلات مرزی و بازارچه‌های مرزی و کاهش رویه‌های گمرکی و مدیریت هماهنگ می‌تواند زمینه قاچاق را کاهش دهد. بازتعریف وظایف مناطق آزاد در برنامه‌ریزی در جهت استراتژی تولید و صادرات کشور با توجه به ظرفیت‌های هر منطقه و افزایش صادرات و سرمایه‌گذاری زمانی ممکن است که زیرساخت‌های مناسب در مناطق مورد توجه جدی قرار گیرد.

ارتقای بستر فرهنگی جامعه و اطلاع‌رسانی صحیح به فعالان اقتصادی و آموزش تشریفات قانونی واردات و صادرات کالا و توسعه تجارت مرزی از طریق قانونی و فعالیت شفاف بانکی و استفاده از ظرفیت همکاری‌های بین‌المللی در جهت کنترل ورود کالا از مبادی حمل و با استفاده از ابزارهای نوین خصوصاً در ترانزیت کالا به کشور و تفاهم با سایر کشورهای همسایه در حوزه اداری و تجهیزات کنترل مرزی در جهت رصد ناوگان حمل‌ونقل از دیگر راهکارهای کاهش قاچاق کالا به داخل کشور است. جلوگیری از اطاله دادرسی و تعیین قضات و شعب تخصصی در جهت تسریع در صدور حکم و اصلاح تناسب مجازات با جرم و صراحت و تضامین اجرای مقررات از دیگر مواردی است که در اجرای قانون باید به آن توجه شود.

ارائه راه‌حل‌های مشخص درخصوص هر قلم کالایی اثربخشی مبارزه با قاچاق را در مورد آن کالا افزایش خواهد داد.

توجه به اشتغال و معیشت مرزنشینان و برنامه‌ریزی در جهت تولید و تجارت رسمی با کشورهای همجوار سبب می‌شود که حمایت عمومی از تشدید مقابله با کالای قاچاق در کشور اجرای قانون را تسهیل نماید. این نکته قابل تأمل است که بدون هماهنگی دستگاه‌های قانونگذاری و مجریان در نهادهای مختلف حاکمیت و فعالان بخش خصوصی اجرای مؤثر قانون ممکن نخواهد شد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

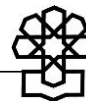
در این بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مربوط به عملکرد بخش خارجی اقتصاد ارائه می‌شود.

الف) تجارت خارجی

- یکی از دلایل اصلی افت جایگاه تجارت خارجی طی سال‌های مورد بررسی علاوه بر مشکلات تحریم، عدم مدیریت آن، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به‌خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به‌دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش‌های ارزی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و ادامه آن تا پایان نیمه اول سال ۱۳۹۹ بوده است. شایان ذکر است جهش‌های مدیریت نشده نرخ ارز از طرفی موجب افزایش فزاینده هزینه مبادله و افزایش هزینه تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده و با توجه به وابستگی بالای تولید داخلی کشور به واردات، قدرت رقابت تولید داخلی بیشتر کاهش یافته و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی نیز شده است.
- روند کاهشی واردات کالاهای سرمایه‌ای و روند نسبی افزایشی کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۰، می‌تواند زنگ خطری برای کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید باشد که دلیل اصلی آن نیز تثبیت نرخ ارز اسمی بدون هدف مشخص و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور طی سال‌های مورد بررسی بوده است.
- نسبت صادرات غیرنفتی به تولید داخلی از ۲۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است که بیانگر کاهش نقش و اهمیت صادرات غیرنفتی در تولید کشور است.
- نوسان در تنوع کالاهای صادراتی از یک طرف و وابسته بودن اقتصاد ایران به صادرات مواد خام و طبیعی از طرف دیگر، باعث افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه صادرات غیرنفتی شده است.
- بررسی آمار دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۲ نشان می‌دهد، تراز تجاری در مناطق آزاد منفی بوده است. نسبت متوسط سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد به کل سرمایه‌گذاری انجام شده در سرزمین اصلی طی دوره مورد بررسی، حدود ۱۱ درصد بوده که براساس این شواهد آماری از عملکرد اقتصادی مناطق آزاد، این مناطق نقش چندانی در جذب سرمایه‌های خارجی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تأسیس این مناطق در اقتصاد ایران نداشته‌اند.

ب) تراز پرداخت‌ها

- منفی بودن وضعیت موازنه کل کشور عمدتاً ریشه در منفی بودن حساب جاری دارد (شامل خالص حساب سرمایه، خالص حساب خدمات، خالص صادرات، خالص حساب درآمد و خالص انتقالات رسمی است). در این میان وضعیت بد خالص صادرات، خالص حساب سرمایه و خالص حساب خدمات بیش از سایر عوامل در کاهش موازنه کل یا منفی بودن آن نقش داشته‌اند.



• بخش تراز پرداخت‌ها یا موازنه کل کشور (تغییر در ذخایر بین‌المللی) نه‌تنها بیانگر بالا بودن اهمیت توجه به بخش خارجی اقتصاد است، بلکه بیانگر لزوم تدبیر بهبود آن از طریق طراحی استراتژی توسعه صنعتی، استراتژی توسعه بازرگانی و استراتژی سیاستگذاری پولی (ارزی) (به مفهوم حفظ ثبات قیمت‌ها) و هماهنگ‌سازی این استراتژی‌ها با یکدیگر است. البته باید عنوان نمود که عوامل مختلف اقتصادی نظیر کسری بودجه دولت، استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی در اقتصاد و سرکوب مالی (سرکوب نرخ سود بانکی) نیز از عواملی هستند که بر کسری تراز تجاری اثرگذارند.

ج) رابطه مبادله

استمرار رابطه مبادله کمتر از یک و کاهش آن نسبت به میانگین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین در مقابل واردات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر است.

د) شاخص‌های تعرفه و آزادی اقتصادی

بررسی شاخص تعرفه و شاخص آزادی تجاری ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان نیز نشان می‌دهد که ایران در ردیف بالاترین کشورها در وضع محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای قرار دارد.

ه) مناطق آزاد

آمارهای اقتصادی مناطق آزاد نشان‌دهنده شکست این مناطق در رسیدن به اهداف اقتصادی است و توسعه کمی و جغرافیایی این مناطق نیز کمک چندانی به اقتصاد ملی نخواهد کرد. این مناطق در رسیدن به اهداف اقتصادی موفقیت‌های کمی داشته‌اند و در توسعه منطقه‌ای و محرومیت‌زدایی نیز اقدامات انجام شده قابل‌سنجش و ارزیابی براساس داده‌های اقتصادی نیست، هرچند اقدامات مثبتی در توسعه نقاط مرزی کشور انجام شده است.

و) قاچاق کالا و ارز

- به دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره مورد بررسی و گران شدن کالاهای خارجی، اولاً میزان قاچاق ورودی به کل واردات کاهش یافته و از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به حدود ۳۲ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است و ثانیاً در سال‌هایی که تولید ناخالص داخلی به دلیل ضعف بنیان‌های اقتصادی و همچنین تحریم روندی کاهشی داشته و به دلیل افزایش نرخ ارز و افزایش قاچاق خروجی (کاهش خالص صادرات کشور)، سهم قاچاق از تولید داخلی افزایشی بوده است.
- به دلیل کامل نبودن سامانه‌های مربوط به تجارت خارجی، عدم ارتباط سامانه‌های گمرک، بانک

مرکزی و برخی دستگاه‌های متولی تجارت خارجی با سامانه جامع تجارت و فراهم نشدن بستر مناسب برای شفافیت در نقل و انتقال ارز و تراکنش‌های مالی، اجرای کامل قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۹ نیز محقق نشده و رسیدن به اهداف قانونگذاران در این حوزه با چالش‌های جدی مواجه است. از طرفی برخی ملاحظات معیشتی به دلیل عدم توسعه‌یافتگی و اشتغال پایدار در مناطق مرزی سبب انحراف معافیت‌های قانونی در اجرا شده است.

با عنایت به آسیب‌شناسی صورت‌گرفته توصیه‌های مهم ذیل برای آینده قابل ارائه است:

الف) ارائه سیاست ارزی مشخص و قابل پیش‌بینی در اقتصاد ایران به‌خصوص در حوزه تجارت خارجی توسط بانک مرکزی،

ب) نرخ‌گذاری منطقی نرخ ارز مبنای حقوق ورودی و هم‌زمان با سیاست درست تعرفه‌ای،

ج) شناسایی بخش‌های مزیت‌دار کشور، تسهیل مستمر قوانین مرتبط با کسب و کار در حوزه تجارت خارجی، افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی با ارائه ایده‌های جدید در روش تولید، بازاریابی فعال محصولات صادراتی با همکاری تمام دستگاه‌های اجرایی مرتبط و تولید در مقیاس گسترده در کالاهای مزیت‌دار در راستای تقویت و گسترش صادرات غیرنفتی،

د) مشخص شدن الگوی اداره مناطق آزاد (توسعه منطقه‌ای یا تولید و صادرات) و همچنین مشخص شدن جایگاه این مناطق در سیاست تجاری و صنعتی کشور توسط دولت و مجلس، اتخاذ تدابیر ویژه برای جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال فناوری به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تأسیس مناطق آزاد، مدیریت هوشمند کالاهای صادراتی و وارداتی به مناطق آزاد (صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا و واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات خط تولید به‌جای واردات کالاهای مصرفی) و نهادینه‌سازی حاکمیت بلافاصل سازمان‌های مناطق آزاد در منطق مزبور با ضمانت اجرای کافی جهت ارتقای کارکرد مناطق آزاد در راستای تقویت نقش آن در اقتصاد ملی.

ه) تسهیل ورود قانونی کالا به کشور، ایجاد فضای مناسب برای واردات قانونی با افزایش ثبات و شفافیت قوانین و اطلاع‌رسانی مناسب به فعالان تجاری و تولیدکنندگان، اصلاح قیمت‌های نسبی و همچنین کاهش تدریجی تعرفه و حقوق ورودی کالاها، افزایش سطح فناوری تولید تفاوت قیمت کالاهای تولید داخل و خارجی، رهگیری کالاهای وارداتی و مسدود ساختن مسیرهای عمده‌فروشی کالاهای قاچاق در سطح عرضه به‌ویژه در مورد کالاهایی که با سلامت جامعه در ارتباط مستقیم است، استفاده از ابزارهای نوین رهگیری و شناسایی کالا و تشخیص حلقه‌های مبادله کالا با استفاده از قانون مالیات بر ارزش افزوده و نظارت بر مبادلات ارزی و حساب‌های مالی و کالایی، کنترل و نظارت گمرک به‌عنوان مرزبان اقتصادی کشور بر تمامی مرزهای ورودی هوایی، آبی و زمینی و همچنین هماهنگی هوشمند دستگاه‌های قانونگذاری و مجریان در نهادهای مختلف حاکمیت و فعالان بخش خصوصی در زمینه اشتغال و معیشت مرزنشینان جهت مقابله مؤثر با قاچاق کالا و ارز.



شماره مسلسل: ۱۷۷۹۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیلی بر عملکرد بخش خارجی اقتصاد در سال ۱۳۹۹

نام معاونت: مطالعات اقتصادی

تهیه و تدوین کنندگان: صمد عزیزنژاد، حسین هرورانی، سامان پناهی، نیکی قشلاق، امید شریفی

ناظران علمی: موسی شهبازی غیائی، فتح‌اله تازی، سید محمدرضا سیدنورانی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بخش خارجی
۲. اقتصاد
۳. صادرات
۴. واردات
۵. مناطق آزاد
۶. تجارت
۷. قاچاق
۸. تراز پرداخت‌ها
۹. حساب جاری
۱۰. کالا و ارز



تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۷/۲۰